



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی طراحی و اجرای عملیات در جنگ نرم چیست؟

جزوه تولد نظریه

محورها:

۱. وصف عملیات یا شرط نمونه سازی چیست؟
۲. وصف عملیات در کدام یک از نظامات اجتماعی محقق می شود؟
۳. طرح مساله چگونه است؟
۴. الگوی طراحی برای حل مساله چیست؟
۵. اجرای عملیات چگونه مدیریت می شود؟

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

ارائه بحث: حجت السلام علی کشوری
تقریر: محمد جواد مسعودی نیا
اسفند ماه ۱۳۹۷ / کرمانشاه

فهرست اجمالی

الگوی طراحی و اجرای عملیات در جنگ نرم چیست؟

۱. وصف عملیات یا شرط نمونه سازی چیست؟

اختیار

معادله رفق × فکر

نظم اختیاری

۲. وصف عملیات در کدام یک از نظامات اجتماعی محقق می شود؟

نظامات عینی

نظامات علمی

نظامات ذهنی

۳. طرح مساله چگونه است؟

مرحله اول؛ پایه سوال

مرحله دوم؛ شرح سوال

مرحله سوم؛ رکن سوال

۴. الگوی طراحی برای حل مساله چیست؟

مرحله اول؛ پژوهش

مرحله دوم؛ پرورش

مرحله سوم؛ پردازش

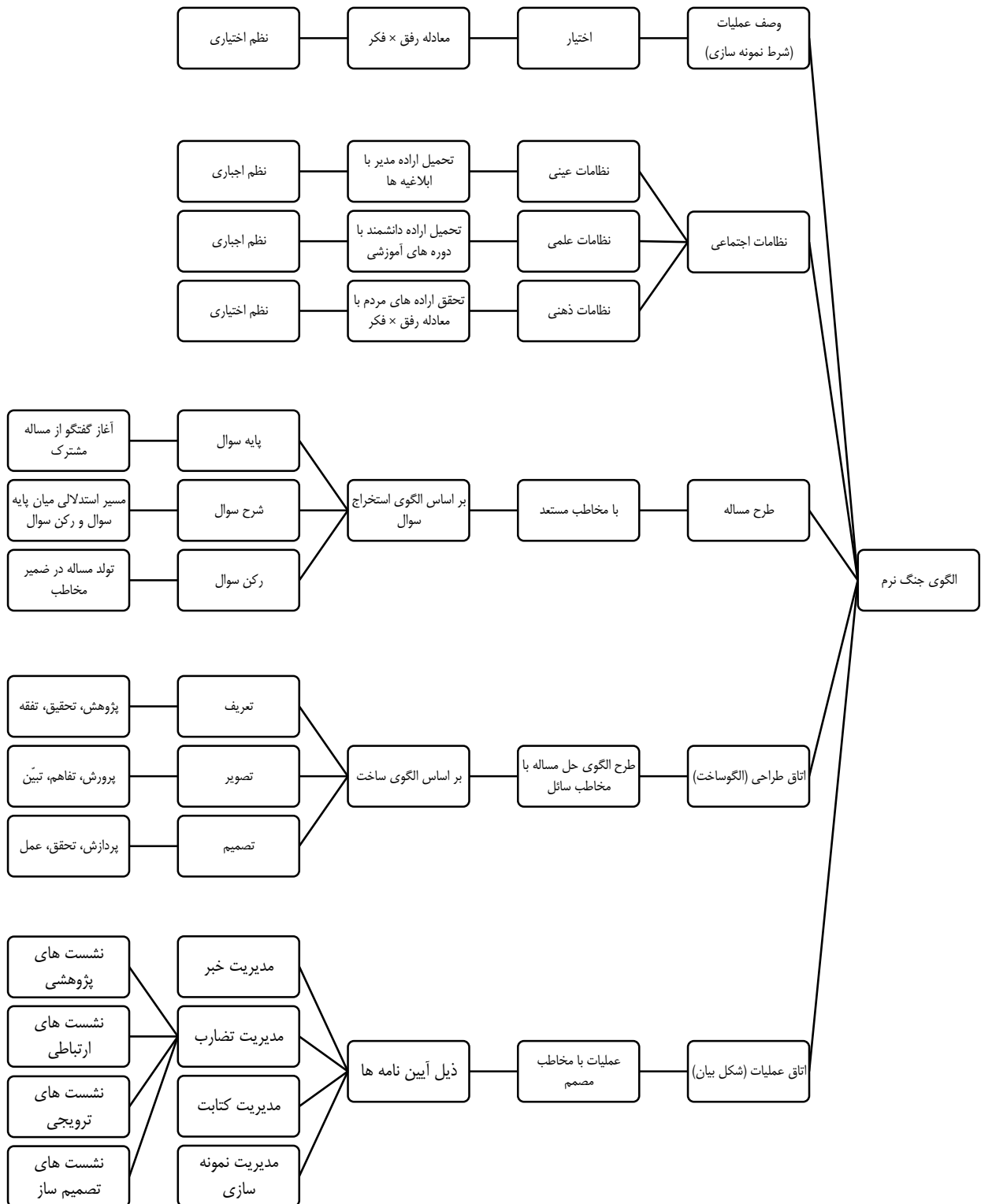
۵. اجرای عملیات چگونه مدیریت می شود؟

مدیریت تضارب

مدیریت خبر

مدیریت کتابت

مدیریت نمونه سازی



بسم الله الرحمن الرحيم

الگوی طراحی و اجرای عملیات در جنگ نرم چیست؟

عملیات^۱ برای رفع یک مساله، مشکل یا پاسخ به نظامی از مسائل طراحی و اجرا می شود. عملیات موفق عملیاتی است که باعث فروپاشی نظام اجتماعی که توان حل مسائل را نداشته شده و به سبب موفقیت در این عملیات نظام جدیدی شکل بگیرد. پر واضح است که روش طراحی و اجرای آن نیز در مبارزه و جنگ نرم^۲ متفاوت است با جنگ سخت! لذا برای پاسخ به سوال فوق می بایست به پنج سوال زیر پاسخ داد:

۱. وصف عملیات یا شرط نمونه سازی چیست؟

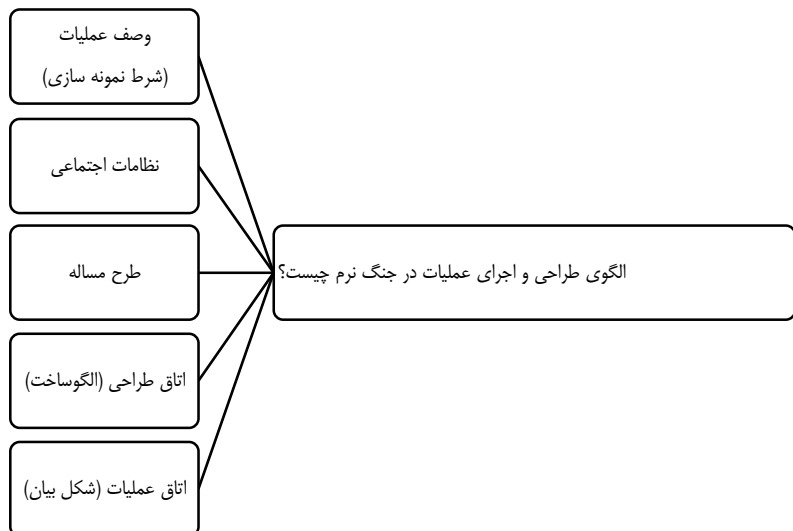
۲. وصف عملیات در کدام یک از نظامات اجتماعی محقق می شود؟

۳. طرح مساله چگونه است؟

۴. الگوی طراحی برای حل مساله چیست؟

۵. اجرای عملیات چگونه مدیریت می شود؟

امیدواریم با پاسخ به این سوالات، ذهن عزیزان مخاطب را با الگوی نظام سازی اسلامی بیشتر آشنا کنیم.



۱. عملیات؛ غالباً آن را بعنوان جمع عمل به کار برند چون ادبیات و غزلیات و غیره. [لغت نامه دهخدا] (رجوع کنید به پیوست شماره یک) عمل؛ به اعمال و کارهای ارادی اطلاق شده. کاری که از روی عقل و فکر باشد لذا با علم مقرون می شود ولی فعل اعم است.

[قاموس قرآن] (رجوع کنید به پیوست شماره دو)

۲. تشریح جنگ نرم در بیان امام خامنه ای:

هستند کسانی که صاحبان قدرتند، صاحبان زر و زورند، مایل نیستند که این سفره‌ی گسترده‌ی رحمت الهی مورد استفاده‌ی آحاد مردم قرار بگیرد؛ با قدرت آنها مخالفند؛ لذا در مقابل این حرکت الهی می‌ایستند. آن وقت خدای متعال میفرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ؛** دنبال آنها مرو، مراقب باش؛ در جای دیگر میفرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛** با کفار و با منافقین مبارزه کن. میفرماید «جاهد»؛ نمیفرماید «قاتل»؛ «قاتلِ الْكُفْرَ وَالْمُنَافِقِينَ» [قتال] همیشه لازم نیست، اما جهاد همیشه لازم است. گاهی جهاد، جهاد سیاسی است، گاهی جهاد فرهنگی است، گاهی جهاد نرم است، گاهی جهاد سخت است، گاهی با سلاح است، گاهی با علم است؛ همه‌ی اینها جهاد است اما در همه‌ی اینها باید توجه داشت که این جهاد، علیه دشمن است، علیه دشمن بشریت است، علیه دشمنانی است که به اتکاء قدرت خود و زر و زور خود، وجود سنگین و مطامع خودشان را بر بشریت تحمیل میکنند. سازش با آنها معنا ندارد؛ **إِنَّ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ.** [بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۵/۰۹/۲۷]

۱. وصف عملیات یا شرط نمونه سازی چیست؟

اختیار؛

اختیار^۳ جوهر انسانیت است. لذا هر امری که اختیار و اراده آدمی را به چالش بکشد در واقع انسانیت را به چالش کشیده و منجر به شکست افراد در آن نظام اجتماعی یا اصل آن نظام می شود.

لذا اصلی ترین ویژگی برای تحقق عملیات یا شرط اساسی در نمونه سازی بر اساس "اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی"^۴، صلب نکردن اختیار انسان ها در لایه های گوناگون از جمله در ستاد طراحی عملیات یا در صف اجرای عملیات و یا در بین عموم مردم در نظام اجتماعی مطلوب است.

معادله رفق × فکر؛

تحریک فکر؛ مهمترین اقدام عملیاتی ما است. چرا که حل مساله یا پاسخ به نظام مسائل منوط به طرح درست مساله و فهم سوال یا سوالات است.^۵

حال اگر این تحریک فکر همراه با رفق باشد یا در اصطلاح "معادله رفق × فکر"^۶ شود، اختیار مخاطب صلب نشده و انسانیت به چالش کشیده نمی شود.

^۳ . اختیاری؛ آنچه که انجام آن ممکن یا غیر ممکن باشد.

[فرهنگ ابجدی] (رجوع کنید به پیوست شماره سه)

در مقابل اکراه و اجبار! لا إكراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یكفر بالطأوت و یؤمن بالله... [آیه ۲۵۶ سوره بقره] هیچ اکراه و اجباری در تبعیت از راه و روش زندگی به سبک دینی نیست چرا که راه رشد و هدایت از راه طغیان و گمراهی، تبیین و مشخص شده است. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا [آیه ۳ سوره انسان] ما راه را به او (انسان) نشان دادیم خواه شاکر باشد و عمل کند یا ناسپاس باشد و عمل نکند. یعنی انسان اختیار دارد و پذیرش هدایت یا مانع ایجاد کردن برای تحقق هدایت، اختیاری است.

^۴ . در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با نگاهی فقهی و غیر اقتباسی از الگوهای معیوب و ناکارآمد غربی به بیش از ۱۰۰ مسئله در حوزه های مختلف معیشتی، تربیتی، پیش گیری از جرم، قانون گذاری، سیاسی، معرفت شناسی، پولی و مالی، کشاورزی، طب، شاخص های ارزیابی جامعه، محرومیت زدایی، مدیریت شهری، برنامه ریزی، بودجه، ساخت یابی، الگوی تخصیص تکنولوژی، الگوی مطالعات تاریخی، الگوی جدید نگرهبانی از نظام، الگوی تنظیم و تحلیل خبر و... پاسخ گفته ایم/ نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی مسیر تحقق آرمان های انقلاب اسلامی را توریزه می کند...

[پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

^۵ . قال رسول الله صل الله علیه و آله و سلم: الْأَقْتِصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ وَ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ حَسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. سوال خوب؛ نصف علم و آگاهی است.

[منیة المرید فی آداب المفید و المستفید؛ ص: ۲۵۸]

^۶ . تشریح معادله رفق × فکر در بیان حجت السلام علی کشوری:

دسته اول خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی؛ خسارت های تربیتی و فکری است؛ این دسته از خسارت ها اگر نادیده گرفته شوند به فرآیند شکل گیری شخصیت انسان ضربه سنگینی وارد می کنند و چالش های تربیتی و فکری عامل اصلی چالش در رفاه و تکامل انسانها محسوب می شود. توضیح بیشتر اینکه: تئوری های توسعه به دو طریق رفاه و تکامل انسانها را به چالش می کشند:

اول آنکه به تدریج نقش تربیتی و تمدنی بانوان و آقایان را به نقش اقتصادی محض تنزل می دهند و این به معنای تزلزل در جایگاه بی بدیل خانواده است. کاهش "عمق محیط دریافت رفق افراد" نتیجه اصلی تزلزل خانواده و زمینه اصلی ایجاد اختلال های عاطفی، فکری و رفتاری در انسان مدرن است.

دوم آنکه توسعه غربی سطح فکر افراد را به تفکرات پوزیتیویستی محدود کرده و از پردازش اجتماعی سایر ابعاد فکر جلوگیری می کند. از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ برای بهبود روابط انسانی ضرورت دارد تا "وعاء فکر" در پنج سطح: ۱- تامل ۲- تعقل ۳- تدبر ۴- تجرب و ۵- تفقه پردازش اجتماعی شود؛ که هر کدام از این سطوح فکری نتیجه ای مشخص در بهبود روابط انسانی دارد. خلاصه سخن آنکه معادله اصلی پیشرفت اسلامی رفق × فکر است و محاسبات معیوب توسعه این معادله را به دلیل عدم درک به صورت مکرر و دائمی نقض می کند. جناب آقای روحانی؛ رفاه و تکامل جامعه را بدون رعایت "معادله رفق × فکر" تصور کرده اید؟!

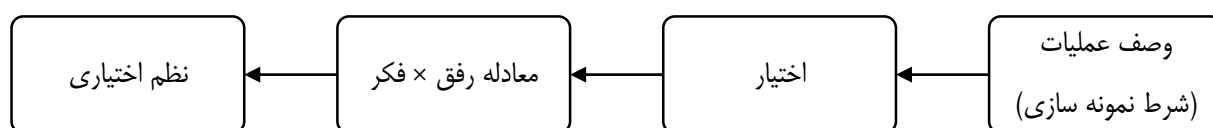
[بخشی از نامه حجت السلام علی کشوری به دکتر حسن روحانی] (رجوع کنید به پیوست شماره چهار)

پس عامل ایجاد نظم و انسجام بخش در نظامات اجتماعی جدیدی که به واسطه عملیات ما در حال شکل گیری است، تحریک فکر است و نشانه ی این تحریک فکر؛ تولد مساله در ضمیر مخاطب مستعد می باشد.

نظم اختیاری؛

نتیجه به رسمیت شناختن اختیار در عملیاتی که با فکر ضرب در رفق برای حل مساله ای، اجرا می شود؛ شکل گیری نظامات اجتماعی جدیدی است که در آن "نظم اختیاری"^۷ حاکم است.

در واقع محور اصلی این نظامات اجتماعی^۸ جدید؛ تحریک فکر با رفق بر اساس نظام مسائل است. مانند انقلاب اسلامی که در آن امام راحل (ره) و امام خامنه ای فارغ از تمام حد بندی های رایج علمی، اداری، مالی، جغرافیایی و ... با تحریک فکر، جامعه را هدایت می کنند. این نظامات اجتماعی جدید را "نظامات ذهنی"^۹ یا هدایت بنیان می نامیم.



^۷. از منظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بدون توجه به امر هدایت نمی توان تصویری درست از چگونگی اداره جامعه بر اساس اسلام داشت. از منظر اسلام اداره جامعه هدایت بنیان است و باید در مقام برنامه ریزی تاثیر همه حوزه ها بر امر هدایت و تاثير هدایت بر همه حوزه ها توسط کارشناسان بررسی شود. اگر جایگاه و فرآیند هدایت را در تحلیل های خود بررسی نکنیم؛ به دلیل اینکه در همه بخشها انسان ها تصمیم می گیرند؛ مجبور می شویم از ابزارها و مکانیزم های جبری برای هماهنگی و اداره بخشهای مختلف جامعه استفاده نمائیم.

به عبارت بهتر با توجه به ضرورت و جایگاه هماهنگی بخشی و کلان در هر جامعه ای دو نوع روش برای هماهنگی و ایجاد نظم تصویر می شود: نوع اول هماهنگی؛ هماهنگی جبری و بدون توجه به اختیار افراد است و نوع دوم هماهنگی، هماهنگی هدایت بنیان و ایجاد نظم اختیاری در بخش های مختلف در کلان جامعه است. [پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم چگونه تدوین شد؟] (رجوع کنید به پیوست شماره پنج)

^۸. اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظامات اداره کننده جامعه را در سه بخش طبقه بندی کرده است. نقشه راه معتقد است نظامات اداره کننده جامعه در یک تقسیم کلی به نظامات علمی، نظامات عینی و نظامات ذهنی تقسیم می شوند. و اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شامل ۸۱ موضوع از نظامات ذهنی اداره کننده جامعه می باشد. البته باید دانسته شود که نقشه راه، نظامات ذهنی را ریشه مدیریت نظامات عینی و علمی می داند.

[آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی. نویسندگان؛ رضاپور، حسین (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان) / فتاحیان، محمد حسین (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهر کرد)]

^۹. به دلیل شکل گیری خلقت انسانها بر اساس "قدرت اختیار و انتخاب" اسلام پایه الگوی اداره جامعه را "مفهوم هدایت نظامات ذهنی" می داند ... در الگوی پیشرفت اسلامی پایه همه مسائل - به دلیل محوریت انسانها در اداره جامعه- به مفهوم "هدایت نظامات ذهنی" بازگشت دارد و همانطور که گفته شد راه تغییر در نگرش ها هم ظرفیت سازی برای نگرش سازی است؛ که این موضوع هم به پردازش موضوعات جهت ساز وابسته است!

[تبیین اجمالی "نظریه مادر" الگوی پیشرفت اسلامی (نظریه پردازش موضوعات جهت ساز)] (رجوع کنید به پیوست شماره شش)

۲. اوصاف عملیات در کدام یک از نظامات اجتماعی محقق می شود؟

نظامات اجتماعی در زمان کنونی به طور معمول این گونه هستند:

الف. نظامات عینی

ب. نظامات علمی

اما سیاست گزاران، دانشمندان و مدیران در هر دو گونه نظامات برای ایجاد نظم و انسجام بخشی در بین نیروهای عمل کننده خود، چه از طریق ایجاد ساختارها و چه از طریق اعمال روش های علمی (تصرف در طبیعت) از اهرم جبر برای تسلط بر روابط انسانی و طبیعت استفاده می کنند. حال ممکن است این "نظم جبری" از طریق حقوق و مزایا صورت پذیرد یا از طریق تغییر در زیست طبیعی موجودات و یا از طریق منزلت بخشی به صاحبان مدارک علمی، مناصب اداری و ...

در واقع در نظامات عینی مدیران با ابلاغیه ها، بخشنامه ها و آیین نامه ها برای زیر دستان خود؛ اجبار ایجاد می کنند. زیر دستان هم به طمع کسب حقوق و مزایا از اختیار خود می گذرند!

در نظامات علمی هم اختیار زیر دستان به واسطه ی آن که قبل از ایجاد سوال و درک مساله در زندگی، پاسخ های از پیش تعریف شده ای توسط دانشمندان آماده شده، صلب می گردد. این پاسخ های از پیش تعریف شده به صورت طرح درس و نظامات و دوره های آموزشی به دانشجویان منتقل می شود و در نهایت اجبار در استفاده از راه و روش های دیگران را به همراه دارد. مانند تبعیت بی چون و چرای اساتید و دانشجویان ما در بهره مندی از علوم انسانی غربی^{۱۱} و یا تبعیت بی چون و چرای مدیران اجرایی ما از اسناد بین المللی!^{۱۲}

^{۱۱}. در نظم جبری اختیار افراد به بهانه ایجاد نظم و هماهنگی به چالش کشیده می شود و به چالش کشیده شدن اختیار نتیجه اش کاهش خلاقیت در فرد است. یکی از نتایج کاهش خلاقیت، چالش در استقلال کشور است. ولی اگر هدایت بنیان جامعه را اداره کنیم میتوانیم هماهنگی و نظم را به نحو اختیاری محقق نماییم. به هر میزان امر هدایت را فرقه تر نمایم مکانیزم های اداره جامعه بر مبنای اختیار افراد شکل می گیرد و نتیجه این موضوع همراهی جدی تر جامعه با تصمیمات حکومت خواهد بود. [پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم چگونه تدوین شد؟] (رجوع کنید به پیوست شماره پنج)

^{۱۱}. تشریح وابستگی در علوم در بیان امام خامنه ای:

البته منظوم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست: جامعه شناسی، روانشناسی، فلسفه. نظریه های جامعه شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضیها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه شناس این جور گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه پردازی کنید؛ از موجودی این دانشها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را بر ملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

[بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷]

^{۱۲}. تشریح اسناد بین المللی در بیان امام خامنه ای:

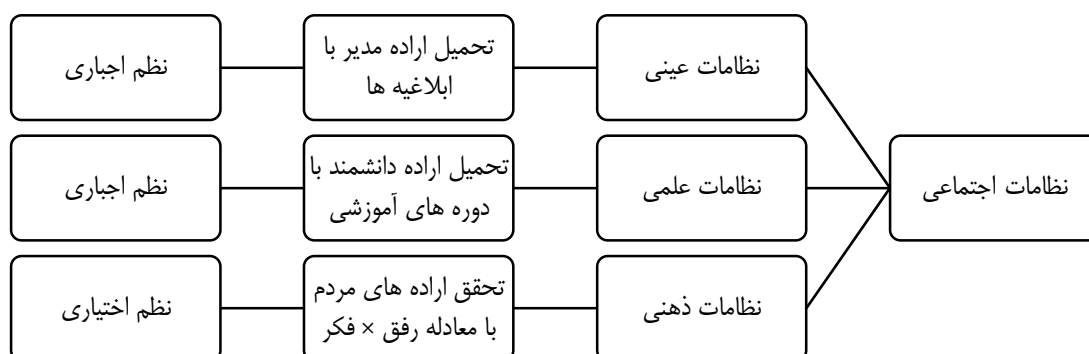
مسئله ی تبیین؛ یکی از کارهای اساتید، مسئله ی تبیین است که حالا من تشکر میکنم از آقای پارسانیا [حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا (دانشیار دانشگاه تهران)] که راجع به سند ۲۰۳۰ اینجا صحبت کردند؛ خوب این باید تبیین بشود؛ ما یک چیزی راجع به این سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش گفتیم، خوب حرفهای گوناگونی هم اطرافش زده شد. این مسئله، خیلی مسئله ی مهمی است؛ همین طور که ایشان اشاره کرد، این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل -سند توسعه ی پایدار- است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه ی پایدار -که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست- طرأحی دارند میکنند و دست اندرکار هستند، این است که یک منظومه ی فکری و فرهنگی و عملی برای همه ی دنیا دارند جعل میکنند. این را چه کسی میکند؟ دستهایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویرین است؛ دستهایی نشستند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه ی ملتها یک منظومه تولید میکنند؛ منظومه ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و این را دارند ارائه میدهند و ملتها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خوب این غلط است؛ این غلط است؛ اصلاً این معیوب است؛ این حرکت، حرکت معیوبی است. چرا؟ چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه ی پایدار را فراهم میکنند؟ چه حقی دارند که درباره ی کشورها، درباره ی ملتها، درباره ی سنتهایشان، درباره ی عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این جور کنید، باید آن جور کنید؛ همه ی اینها هم «باید» است. اینکه میگویند الزام نیست، این سطحی نگری است؛ نخیر، در واقع، همه ی اینها الزام است، و هر کدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به عنوان یک نقطه ی منفی به حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، ته جدول قرار میگیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب میشود!» همه ی اینها این جور است؛ در واقع همه ی اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد. چه لزومی دارد؟ ادامه در صفحه بعد...

متاسفانه جبر حاکم در نظامات علمی آن چنان مخفی و در عین حال مخرب تر است که شخص استعمار شده، نه تنها برای کسب علوم هزینه پرداخت می کند بلکه در زندگی شخصی هم بدون تفکر و استفاده از اختیار خود به قواعد طاغوت پایبند باقی می ماند!

البته کسب منزلت های جعلی در اجتماع یا کسب درآمد به واسطه قرار گرفتن در متن اصلی نظامات علمی و آموزشی یا استخدام در نظامات عینی و ساختارهای اداری از جمله مواردی است که باعث طمع افراد برای گذشتن از اختیارشان می شود! پر واضح است که هر دو نظامات عینی و علمی یا با هم منطبق هستند یا تقویت کننده ی یکدیگر. دانشمندان، سیاست گزاران و مدیران نیز برای تحقق اهداف خود با استفاده از پول، منزلت های جعلی و علوم غیر نافع^{۱۳} در هدایت بشر، جبارانه اراده ی افراد بشر را تحت اراده ی خویش قرار می دهند.

این نظم جبری؛ اختیار آدمی را تحت شعاع قرار داده و در واقع این ویژگی انسانیت را به چالش می کشد. وقتی انسانیت در اجتماع دچار خدشه شد، قطعاً نظامات اجتماعی نیز دچار فروپاشی خواهند شد.

با توجه به مباحثی که گذشت؛ روش طراحی و اجرای عملیات با اوصاف فوق الذکر (ذیل سوال قبل) فقط در **نظامات ذهنی** یا **هدایت بنیان محقق** می شود. یعنی عملیات در نظامات عینی و نظامات علمی اساساً اوصاف دیگری مانند؛ نظم جبری دارد.



ادامه از صفحه قبل؛ خب ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه ی توسعه را هم عمداً به کار نبردم. آقایانی که مسئول این کار هستند و از آن وقت ما با اینها ارتباط داریم، میدانند؛ بنده عمداً گفتم کلمه ی توسعه را من به کار نمیبرم، چون کلمه ی توسعه یک کلمه ی غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه ی پیشرفت را به کار میبرم؛ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دستهای غربی الگو بدهند به صورت همین سند توسعه ی پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال اینها؟ اینها کار کیست؟ کار شماها است، کار دانشگاهها است، کار اساتید است.

[بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها ۱۳۹۶/۰۳/۳۱]

^{۱۳} تشریح دانش های ذاتاً مسموم در بیان امام خامنه ای:

اینکه بنده درباره ی علوم انسانی در دانشگاهها و خطر این دانشهای ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاهها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانپای که امروز رائج است، محتوایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار میگیرند. حوزه های علمیه و علمای دین پشتوانه های هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه ریزی، برای زمینه سازیهای گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه اش علمای دین و علمای صاحب نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه های علمیه است، چون تکیه گاه اوست.

[بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹]

۳. طرح مساله چگونه است؟

برای طرح مساله^{۱۴} بر اساس "الگوی استخراج سوال"^{۱۵} در سه مرحله؛ سوال را در ضمیر مخاطب مستعد متولد می کنیم. طرح مساله، امری پرکاربرد در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است. لذا الگوی استخراج سوال، زیرساخت بسیاری از نظریات دیگر الگوی پیشرفت اسلامی می باشد. در واقع در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی مهمترین اقدام عملیاتی ما تحریک فکر برای طرح درست مساله و فهم سوال یا سوالات در ذهن مخاطب مستعد است نه پاسخگویی!

مرحله اول؛ پایه سوال

در اولین مرحله از الگوی استخراج سوال سعی می کنیم با شناخت درست از مخاطب مستعد، مساله مشترکی با وی پیدا کرده و صحبت را از آن مساله مشترک آغاز کنیم. در واقع آن مساله مشترک "پایه سوال" ما است.

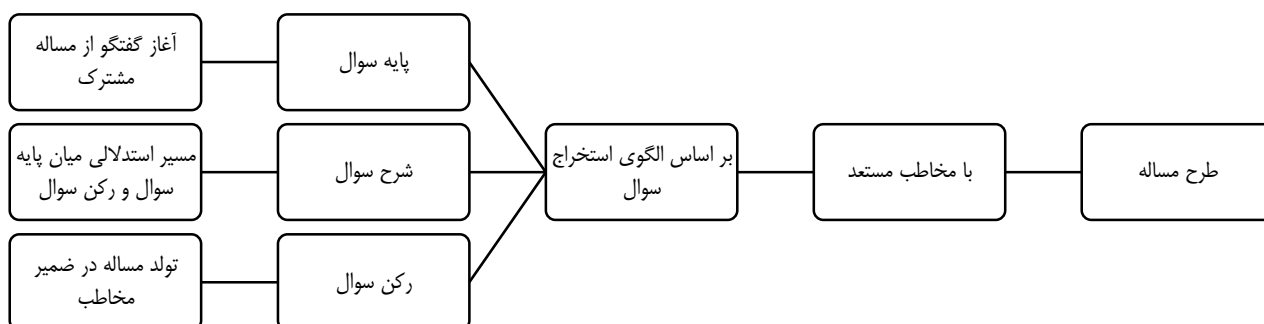
مرحله دوم؛ شرح سوال

"شرح سوال" یا مسیر استدلالی ارتباط میان "پایه سوال" و "رکن سوال"؛ یکی از ارکان سه گانه الگوی استخراج سوال است. تمام تلاش ما در گفتگوها این است که در مرحله دوم؛ مخاطب خود را از پایه سوال که همان مساله مشترک است به سمت مساله اصلی سوق داده و با شرح سوال مهره های بحثی را به گونه ای قرار دهیم تا مساله در ضمیر مخاطب متولد شود. یعنی از انحراف در مباحث جلوگیری کرده و مراقبت می کنیم تا در گفتگوها به حاشیه نرویم و خط سیر مباحث حفظ شود.

مرحله سوم؛ رکن سوال

بعد از شرح سوال در مرحله سوم، "رکن سوال" محقق می شود و مساله اصلی در ضمیر مخاطب مستعد متولد می گردد و در اصطلاح؛ مساله در بیان مخاطب می آید.

در این مرحله مخاطب مستعد ما مساله دار شده و از حالا به بعد مخاطب سائل قلمداد می گردد.



^{۱۴}. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ فُؤُلٌ وَمِفْتَاحُهُ الْمَسْأَلَةُ. بر در علم قفلی است که کلید آن مساله می باشد.

[الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۰]

^{۱۵}. الگوی استخراج سوال؛ روش تفاهم متناسب با مبنای هدایت نظام نگرش ها است. الگوی استخراج سوال از الگوهای زیر مجموعه الگو نظام سازی اسلامی محسوب می شود. لازم به ذکر است که اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس الگوی نظام سازی اسلامی قابل تبیین، تفسیر و تفصیل می باشد. [تبیین اجمالی "نظریه مادر" الگوی پیشرفت اسلامی (نظریه پردازش موضوعات جهت ساز)] (رجوع کنید به پیوست شماره شش)

۴. الگوی طراحی برای حل مساله چیست؟

برای گفتگو در مورد الگوی حل مساله با مخاطب مستعدی که مساله اصلی در ضمیر او متولد شده است و مخاطب سائل قلمداد می گردد، در اصطلاح وارد "اتاق طراحی" می شویم.

در اتاق طراحی بر اساس "الگوی ساخت"^{۱۶} در سه مرحله زیر الگوی حل مساله را با مخاطب صاحب مساله و سوال خود در میان می گذاریم.

مرحله اول؛ پژوهش

در اولین مرحله از الگوی ساخت صحبت از تعاریف غلط در مورد مساله مذکور و طرح تعریف درست از آن مساله است. این امر از طریق پژوهش، تحقیق یا تفقه صورت می گیرد.^{۱۷}

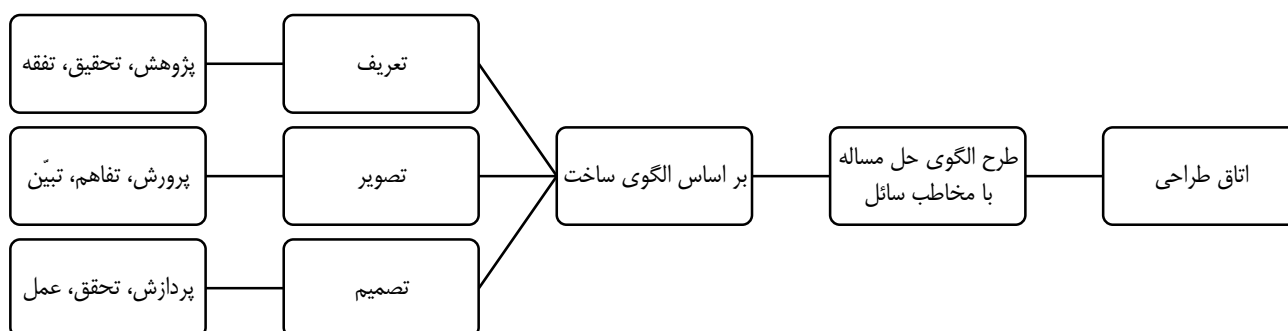
مرحله دوم؛ پرورش

در دومین مرحله از الگوی ساخت می بایست تصویر درستی از آینده تحقق یافته ی آن مساله را با مخاطب سائل خود در میان گذاشته و در واقع با پرورش آن تصویر به تفاهم و تبیین مفاهیم با مخاطب می پردازیم.

مرحله سوم؛ پردازش

در سومین مرحله از الگوی ساخت مخاطب سائل را در جهت حل مساله به تصمیم برای اقدامات عملی می رسانیم. یعنی نمونه سازی، تحقق یا عمل.^{۱۸}

در این مرحله مخاطب سائل ما مصمم به حل مساله بر اساس الگوی ساخت شده و از حالا به بعد مخاطب مصمم قلمداد می گردد.



^{۱۶}. الگوی نظام سازی اسلامی (الگوی ساخت) در حکم لغت افتتاح برای فقه البیان است.

^{۱۷}. وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ [آیه ۱۲۲ سوره توبه] و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین و آیین زندگی آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند؟

^{۱۸}. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِعِلْمِهِ. بدترین مردم در روز قیامت؛ عالمی است که نفع و سودی از علمی که خدا به او داده نبرده باشد. [منیة المرید فی آداب المقید و المستفید؛ ص: ۱۵۳]

۵. اجرای عملیات چگونه مدیریت می شود؟

"شکل بیان" یا اجرای عملی الگوی ساخت با مخاطب مصمم به حل مساله، ورود به "اتاق عملیات" است. در اتاق عملیات با چهار اقدام؛ مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت کتابت و مدیریت نمونه سازی، اقدام به عملیات می کنیم. این اقدامات چهارگانه ذیل آیین نامه ها، مدیریت می شوند.

در چهار اقدام فوق محور اصلی؛ مدیریت تضارب و نشست ها است که با مدیریت خبر، مقدمه سازی و مؤخره آن تکمیل می شود. نشست ها با مدیریت کتابت ثبت می شود و شرایط را برای تحقق عملی مباحث مطرح در تضارب به صورت نمونه فراهم می کند و در واقع نمونه سازی ما محقق می گردد.

مدیریت تضارب؛

توجه به سه نکته اساسی در تضارب^{۱۹} و نشست ها با توجه به الگوی نظام سازی اسلامی بسیار حائز اهمیت است:

اول آن که اصالت در الگوی نظام سازی اسلامی به علم است نه به پول و امکانات مادی. در واقع قدرت در نظام هدایت بنیان منبعث از علم است نه ثروت!^{۲۰}

دوم آن که اصالت در تولید و نشر علم به تضارب، گفتگو و مباحثه است^{۲۱} نه به مطالعه و آموزش! در واقع کتابت^{۲۲} باعث ثبت در ذهن و ضمیر آدمی می شود و مطالعه پیش شرط ورود به گفتگوها است.

^{۱۹}. قال امیرالمومنین علی علیه السلام: اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب. رایزنی کنید تا اندیشه درست متولد شود.

[غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۵۸]

قال امیرالمومنین علی علیه السلام: لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ دِرَاسَةُ الْعِلْمِ. بحث و بررسی علم، موجب باروری معرفت و شناخت است.

[غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۵۷۲]

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَجَلِّسُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ نَعَمْ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُجِيبَهَا...

بکر بن محمد ازدی گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: «آیا گرد هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کردم: فدایت شوم! آری. فرمود: به راستی، من این مجالس را دوست دارم...»

[ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۱۸۷]

^{۲۰}. وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ [آیه ۲۴۷ سوره بقره] و پیامبرشان به آنان گفت: «در حقیقت، خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است.» گفتند: «چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال و ثروت، گشایشی داده نشده است؟» پیامبرشان گفت: «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در علم و نیروی بدن بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می دهد، و خدا گشایشگر داناست.»

^{۲۱}. قَالَ امیرالمومنین علی علیه السلام: خُذُوا الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ. علم را از دهان بزرگان بگیر و بیاموز.

[عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، ص: ۷۸]

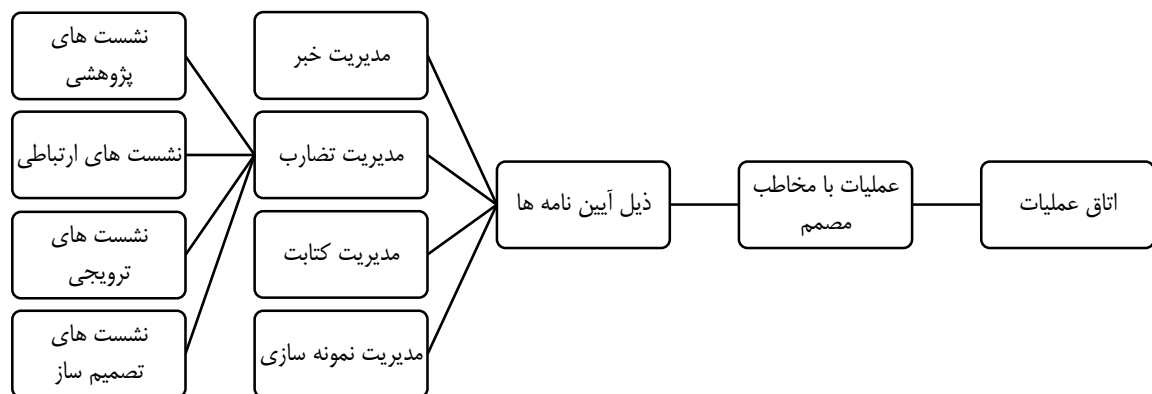
^{۲۲}. فَمِنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: قِيدُوا الْعِلْمَ قَيْلًا وَ مَا تَقْيِيدُهُ قَالَ كِتَابَتُهُ. علم را با کتابت به بند کشیده و آن را تثبیت کنید.

[منیة المرید فی آداب المفید و المستفید؛ ص: ۳۴۰]

سوم آن که مراحل کسب علم این شش گام است: حسن الانتخاب^{۲۳} (انتخاب استاد توسط دانش پژوه)، حسن الاستماع^{۲۴}، تضارب، گفتگو و مباحثه، کتابت، تجرب و نظام مقایسه و در نهایت حسن السؤال.

مدیر تضارب و نشست ها با توجه به سه نکته فوق، چهار دسته نشست زیر را برگزار می کند:

- الف. تضارب یا نشست های پژوهشی برای تعارف با نخبگان.
- ب. تضارب یا نشست های ارتباطی برای پرورش تصاویر با فعالان موثر و مسئولین.
- ج. تضارب یا نشست های ترویجی برای پرورش تصاویر با عموم مردم.
- د. تضارب یا نشست های تصمیم ساز و طراحی نهایی برای پردازش و نمونه سازی.



^{۲۳}. تشریح انتخاب آزادانه‌ی استاد، مباحثه، تقریر و ... در بیان امام خامنه‌ای:

امروز شیوه‌های گوناگون سنتی قدیمی ما دارد در دنیا شناخته میشود؛ بعضی یا از روی تقلید یا از روی ابتکار دارند همین شیوه‌ها را رائج میکنند. ما شیوه‌های دانشگاهی خودمان را که برگرفته و نسخه‌نویسی‌شده‌ی از شیوه‌های قدیمی غربی است، بیاوریم در حوزه حاکم کنیم؛ نه، ما این را تحول نمیدانیم. اگر چنین دگرگونی‌ای رخ بدهد، قطعاً ارتجاع و عقبگرد است؛ این را قبول نداریم. ما در حوزه‌ی علمیه شیوه‌های بسیار خوبی رائج داریم، از قدیم معمول بوده؛ شیوه‌ی انتخاب آزادانه‌ی استاد به وسیله‌ی طلبه. طلبه وارد حوزه که میشد و میشود، میگردد استاد مورد قبول و مورد علاقه‌ی خودش را پیدا میکند، به درس او میرود. اساس کار طلبگی، فکر کردن و دقت کردن و مطالعه کردن است، نه حفظ کردن. حفظ‌محوری، همان چیزی است که امروز بلای تعلیم و تربیت جدید ماست و ما مدتهاست که داریم با آن مقابله و مبارزه میکنیم و هنوز هم روبه‌راه نشده است و باید روبه‌راه شود. در حوزه، اساس سنتی ما بر پایه‌ی فکر کردن است. طلبه درس را که میخواند، اولاً قبلاً پیش مطالعه میکند، ذهنش را آماده میکند تا از استاد حرف نو بشنود. بعد از درس، آن درس را با یک زمیلی، رقیقی مباحثه میکند؛ یک بار به او درس میگوید، یک بار او به انسان درس میگوید؛ لذا در ذهن جایگزین میشود. در بعضی از حوزه‌ها مثل نجف، تقریر درس استاد معمول بود - در قم کمتر وجود داشت یا نداشت و خیلی بندرت بود - طلبه‌ی فاضلی بعد از درس استاد مینشست، همان درسی را که استاد گفته بود، برای بعضی از طلابی که احتیاج داشتند، دوباره میگفت. ببینید این کار چقدر در عمق بخشیدن به علم و سواد و معلومات محصل و طالب علم تأثیر میگذارد. این سنتها را نباید از دست داد؛ اینها حیفاست. [بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹]

^{۲۴}. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. [آیه ۱۸ سوره زمر] به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

عَنْ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... وَ حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ لَهُ وَ التَّوْقِيرِ لِمَجْلِسِهِ وَ حَسَنِ الْأَسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ وَ لَا تَجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَ لَا تَقْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذَكَرَ عِنْدَكَ بِسُوءٍ وَ أَنْ تَسْتَرَّ عَيْبَهُ وَ تَنْظَهَرَ مِنْأَقْبِهِ وَ لَا تَجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَ لَا تُعَادِيَ لَهُ وَلِيًّا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدْتَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ أَسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ فَانْ تَطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يَسْخَطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ. وَ حَقُّ كَسَى كَيْ سَيَّاسَتِ تَعْلِيمِ تُو رَا بَرِ عَهْدِهِ دَارِدِ اَيْنَسْتِ كِهْ اُو رَا بَزْرِكْ شَمَارِي، وَ مُحَضَّرَش رَا مَوْقَرْ دَارِي، وَ بَا دَقَّتْ بَسْخَنَانَشْ گُوشْ بَسْپَارِي، وَ رُويْ خُود رَا بَسُويْ اُو كُنِي، وَ صَدَايْ خُود رَا بَرُويْ اُو بَلَنْدِ نَمَائِي، وَ چُونِ كَسِي چِيْزِي اَزِ اُو بَهْرَسِدْ، تَا اُو جَوَابْ نَگُويِدْ جَوَابْ نَدِهِي، وَ دَرِ مُحَضَّرْ اُو بَا كَسِي سَخْنِ نَگُويِي، وَ نَزْدِ اُو بَغِيْبِتِ كَسِي زَبَانِ نَگِشَائِي، وَ چُونِ پِيْشِ تُو اَزِ اُو بَدِگُويِي كَنْدِ اَزِ اُو دِفَاعِ كُنِي، وَ عِيُوبِ اُو رَا بِيُوشَائِي، وَ صِفَاتِ نِيكِشْ رَا پَدِيْدَارِ سَازِي، وَ بَا دَشْمَنْشْ هَمَنْشِيْنِ نَشُوي، وَ دُوسْتِي اَزِ اُنْ اُو رَا بَدِشْمَنْيْ نَگِبرِي. پَسْ چُونِ اَيْنِ وَظَائِفْ رَا دَرِ بَارِهْ اُو اَنْجَامِ دَادِي فَرِشْتِگَانِ خُدَايْ عَزَّ وَ جَلَّ دَرِ بَارِهَاتِ گُوهِي مِيْدهَنْدْ كِهْ دَرِ فَرَاگَرْفْتِنِ عِلْمِ، طَلَبْ خَشْنُودِي خُدَا بُوْدِهِي، وَ عِلْمِ اُنْ مَعْلَمْ رَا، نِهْ بَرَايِ مَرْدَمِ، كِهْ بَرَايِ خُدَا جَلَّ وَ عَزَّ اَسْمَهْ فَرَا گَرَفْتِهِي.

[من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص: ۶۲۰]

مدیریت خبر؛

الگوی تنظیم و تحلیل خبر ذیل نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی تحت قالب چهار سر فصل زیر بیان می شود:

اول؛ توصیف و نقد روش رایج تنظیم خبر

دوم؛ غایت قریب و بعید (اهداف تنظیم خبر)

سوم؛ صور عام (صور نگارش)

چهارم؛ صور خاص (صور انتشار)

۱. توصیف و نقد روش رایج تنظیم خبر

تعریف خبر

اولین بحث در روش رایج تنظیم خبر، پرداختن به تعریف خبر است که این امر از دو منظر دچار اشکال است؛

یک؛ تعدد تعارف

"بیان پدیده"، "نقل عقاید و افکار عمومی" و دیگر مثال ها^{۲۵} در تعریف خبر حاکی از ضعف و اشکال در تک تک تعاریف خبر است. لذا اولین اشکال ما در تعریف خبر در روش رایج تنظیم خبر، همین تعدد تعاریف است.

^{۲۵} دکتر یونس شکرخواه در کتاب «خبر» تعاریف متعددی از خبر ارائه کرده که به تعدادی از آن ها اشاره می شود:

"خبر، گزارش واقعیت هاست، اما هر واقعیتی را نمیتوان خبر نامید"

"خبر، پیامی است که احتمال صدق و کذب در آن وجود دارد"

"خبر، الزاماً گزارش رویداد جاری (تازه) نیست"

"خبر رویدادی است که قرار است اتفاق بیفتد"

"خبر مجموعه ای از لغات و عبارات است که وقوع یا انجام کاری را اطلاع دهد"

"خبر گزارش یک رویداد است؛ آنچه یک گزارشگر مینویسد، خبر نامیده می شود"

"خبر، شامل هر اندیشه و عمل واقعی است که برای عده زیادی از خوانندگان جالب است"

"خبر، انتشار منظم جریان وقایع و آگاهیها و دانشهای انسانی و نقل عقاید و افکار عمومی است"

"خبر، نقل ساده و خالص وقایع جاری است"

"خبر، اعلام و بیان وقایع جالب زندگی اجتماعی و نقل عقاید و افکار عمومی است"

"خبر، نخستین گزارشی از یک حادثه بامعناست که مورد توجه عامه قرار میگیرد"

یا تعاریف دیگری نظیر؛

هارولد اوانس، سردبیر پیشین ساندیتایمز و تایمز لندن؛ "خبر، مردم است"

لرد نورث کلیف، صاحب چندین رسانه در انگلیس در قرن بیستم؛ "خبر چیزی است که یکی میخواهد آن را در جایی سرکوب کند و آنچه غیر آن میماند، آگهی است"

ویلیام گیبر؛ "خبر چیزی است که روزنامه نگاران آن را میسازند"

مارک فیشر؛ "خبر نتیجه شیوه هایی است که روزنامه نگاران آنها را به کار میگیرند"

گروه رسانه ای گلاسگو؛ "خبر محصول جهان سیاسی و اجتماعی است که آن را گزارش میکند"

دکتر شکرخواه؛ "خبر یک حق اجتماعی است، نه یک کالای تجاری"

لیل اسپنسر، مؤلف کتاب «خبرنویسی»؛ "خبر شامل هر عمل و اندیشه واقعی که برای عده زیادی از خوانندگان جالب توجه باشد"

س. مولی، نویسنده کتاب «خبریابی»؛ "خبر نقل واقعی و عینی حوادث جاری مهمی که در روزنامه چاپ می شود و مورد توجه خوانندگان قرار میگیرد"

میچل. وی. چارنلی، استاد روزنامه نگاری آمریکایی، در کتاب «خبرنگاری»؛ "خبر گزارش مناسب، خلاصه و دقیق یک رویداد و نه الزاماً خود رویداد است"

دکتر کاظم معتمدنژاد؛ "خبر، اعلام و بیان وقایع جالب زندگی اجتماعی و نقل عقاید و افکار عمومی است"

دکتر نعیم بدیعی؛ "خبر گزارشی از یک رویدادهای واقعی و عینی است که دارای یک یا چند ارزش خبری باشد. چگونگی ارائه این گزارش، تحت تاثیر عوامل

درون سازمانی و برون سازمانی شکل میگیرد"

دو؛ عدم نیاز به تعریف مفاهیم پایه

در واقع باید گفت اصل تعریف از مفاهیم پایه ای نظیر رفق، خوبی، حیات، خبر و ... که در میان عامه مردم قابل فهم است، کار عبث و بی فایده ای است. لذا دومین اشکال ما به اصل تعریف مفاهیم پایه از جمله مفهوم خبر است.

ارزش های خبری

دومین بحث در روش رایج تنظیم خبر، پرداختن به ارزش های خبری است که این امر نیز یک اشکال اساسی دارد.

اما قبل از پرداختن به اشکال آن، به معرفی این ارزش های خبری می پردازیم؛

۱. دربرگیری (IMPACT)^{۲۶}. ۲. شهرت (FAME)^{۲۷}. ۳. برخورد (CONFLICT)^{۲۸}. ۴. مجاورت (PROXIMITY)^{۲۹}
۵. فراوانی (MAGNITUDE)^{۳۰}. ۶. شگفتی و استثناء (ODDITY)^{۳۱}. ۷. تازگی (TIMELINES)^{۳۲}

یعنی مطلبی که یکی یا چند مورد فوق را شامل می شود ارزش خبر شدن پیدا می کند.

حال اشکال اساسی به این ارزش های خبری در روش رایج تنظیم خبر این است که تمام موارد فوق می تواند معارض برخی از اصول مسلم ما مانند؛ اصل تحکیم روابط انسانی، عدم تمرکز در تصمیم گیری، عدم اشاعه فحشاء و ... قرار بگیرد.

لذا در الگوی تنظیم و نشر خبر ذیل نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی حرفی از ارزش های خبری به میان نیامده و تنظیم خبر بر اساس قواعد دیگری صورت می پذیرد.

^{۲۶}. دربرگیری؛ رویداد وقتی واجد این ارزش است که بر تعداد زیادی از افراد جامعه تاثیر داشته باشد یا موجب نفع یا زیان مادی یا معنوی گروهی از افراد جامعه شود. هر چه یک رویداد از نظر دامنه وقوع فراگیرتر باشد، ارزش خبری «دربرگیری» آن بیشتر خواهد بود. به این مثال توجه کنید: برای تمامی اتباع کشور کد ملی صادر می شود (مخاطب: تمام اتباع کشور)

^{۲۷}. شهرت؛ اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی برخی اشیاء به دلیل معروفیت خود ممکن است ارزش خبری داشته باشند که ممکن است مثبت یا منفی باشد. مانند: رئیس جمهور دیروز از آلمان بازگشت.

^{۲۸}. برخورد؛ این رویدادهای حاوی برخورد به معنای حادثه، اختلاف، درگیری، منازعه و ... هستند. برخورد می تواند به صورت منفی (جنگ، سرقت، جنایت)، مثبت (مسابقه ورزشی)، فیزیکی (کتک زدن، تصادف، زلزله) یا غیرفیزیکی (اعتصاب و ...) باشد.

^{۲۹}. مجاورت؛ ارزش یک واقعه، بسته به نزدیک بودن فیزیکی یا معنوی مخاطبان به آن، برای آنان متفاوت است. طبیعی است که مخاطب نسبت به اتفاقاتی که در نزدیکی او و یا نزدیک به اعتقادات او روی می دهد، حساسیت بیشتری نشان می دهد. خود ارزش خبری «مجاورت» به دو گروه تقسیم می شود:

الف. مجاورت فیزیکی یا جغرافیایی (GEOGRAPHICAL PROXIMITY) مانند: زلزله ای به قدرت ۶ ریشتر، تهران را لرزاند.

ب. مجاورت معنوی (PSYCHOLOGICAL PROXIMITY) مانند: مسلمانان بوسنی مورد تهاجم قرار گرفتند.

^{۳۰}. فراوانی؛ هر زمان که در خبر از اعداد و ارقام استفاده شود و میزان و تعداد چیزی بیان شود، نشان از ارزش فراوانی بیشتر آن دارد. به این مثال ها توجه کنید: تورم در آژانتین به ۳۰۰ درصد رسید. تیم فوتبال ایران ۱۷ گل به مالدیو زد.

^{۳۱}. شگفتی و استثناء؛ رویدادهای عجیب و غیرعادی که انتظار شنیدن آن وجود ندارد، به ندرت اتفاق می افتد و به همین دلیل نیز برای مردم جالب توجه هستند. اختراعات، اکتشافات عجیب و مواردی که با پسوند صفت برترین ترین کار می شود، جزو این دسته محسوب می شوند. به طور کلی، مواردی که وقتی می شنوید یا می خوانید در دل می گویند: عجب! و یا می گویند: چه جالب! و یا واژه ها و اصطلاحاتی مانند این، دارای این ارزش خبری هستند.

البته امکان دارد خود رویداد عجیب نباشد، بلکه نحوه انجام آن عجیب باشد، مثل فردی که تنها بدون پا زدن و تنها با کمک دست، آن هم در مسافت های طولانی، شنا می کند. مانند: زنی در تهران ۶ قلو زایید.

^{۳۲}. تازگی؛ عمده خبرها این ارزش را در خود دارند و در واقع می توان آن را ارزش جداناپذیر اخبار شمرد، زیرا اگر خبری به موقع منتشر نشود، به تاریخ پیوسته است. هر اندازه فاصله وقوع رویداد و درج آن به عنوان خبر نزدیک تر باشد، خبر «تر و تازه تر» است. البته ارزش خبری «تازگی» نیز مانند بقیه ارزش ها نسبی است. مانند: امروز نتایج کنکور سراسری اعلام می شود.

۲. اهداف تنظیم خبر؛ غایت قریب و بعید

هدف گذاری در تنظیم خبر اساسی ترین بخش در الگوی تنظیم و نشر خبر است. لذا ما در تنظیم هر خبر دو هدف نزدیک و دور را تحت عنوان غایت قریب و بعید در نظر می گیریم.

غایت قریب یا هدف نزدیک ما در تنظیم خبر؛ تحریک فکر است. این تحریک فکر نشانه ای دارد که آن ایجاد سوال در ذهن مخاطب است.

غایت بعید یا هدف دور ما هم در تنظیم خبر؛ تحقق هدایت برای رسیدن به نظم اختیاری در جامعه است.

۳. "صور عام" (صور نگارش)

صور یا شکل نگارش و تنظیم خبر با توجه به سه مورد زیر محقق می شود؛

اول؛ حسن سوال

در واقع اگر خبر حاوی حسن سوال یا جوابی برای حسن سوال نباشد، ارزش خبری ندارد!

دوم؛ وضع اصطلاحات

در واقع زمانی خبر در ذهن مخاطب شما ثبت می شود که آن خبر با اصطلاحات خاص شما تنظیم و به نگارش درآمده باشد.

سوم؛ درج ارجاعات

در واقع فاصله مابین سخن راست و دروغ در ذهن مخاطب، مشخص شدن انتسابات و ارجاعات در متن خبر است.^{۳۳}

با رعایت سه مورد فوق در تنظیم و نگارش خبر، صور عام یا صور نگارش خبر محقق شده و خبر شکل پیدا می کند.

۴. "صور خاص" (صور انتشار)

صور یا شکل انتشار خبر بر خلاف روش رایج که تاکید بر نشر حداکثری خبر دارد و با شعار عوام فریبانه ی "دانستن حق مردم است" سعی در تحقق آن می نماید؛ بر انتشار مبتنی بر اصل "اهلیت"^{۳۴} پافشاری می کند.

^{۳۳}. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ الْمُفْتَرَعُ قِيلَ لَهُ وَمَا الْكَذِبُ الْمُفْتَرَعُ قَالَ أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَتَرَكُهُ وَتَرُويُهُ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ. فرمود: مبدا دروغ شاخدار بگویند، به او. عرض شد: دروغ شاخدار چیست؟ فرمود: این است که مردی برای تو حدیثی نقل کند و تو در نقل آن نام گوینده را نببری و از کسی که گوینده از او خبر داده نام نببری و بی واسطه نقل کنی.

[الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۵۲]

^{۳۴}. اهلیت؛ از شرایط اصلی تحمل حدیث است، تحمل حدیث اصطلاحی در علم حدیث، به معنای فراگرفتن و شنیدن حدیث از راه‌های معین است. در «تحمل»، راوی حدیث را از دیگری که در اصطلاح به او شیخ می‌گویند به یکی از شیوه‌های معتبر در تحمل حدیث فرا می‌گیرد. تحمل حدیث به معنای حمل آن نیز هست؛ اما علمای حدیث به این جهت اصطلاح تحمل را بر حمل ترجیح داده‌اند که تحمل به معنای «حمل با مشقت» است و از آنجا که حمل حدیث مستلزم دقت بسیار است، خالی از مشقت نیست.

شرایط تحمل حدیث:

اهلیت: مراد از اهلیت، وجود شرایطی است که موجب صلاحیت راوی در اخذ حدیث می‌شود. این شرایط عبارت‌اند از: عقل، قوه تمیز، ضبط داشتن قوه تمییز؛ منظور از قوه تمیز آن است که راوی بتواند متوجه خطاب شده، جواب لازم را ادا کند. یا بین حدیث و غیر حدیث تمایز قایل شود.

ادامه در صفحه بعد...

در واقع در اصل اهلیت ما به انتشار خبر فقط به اهل آن توجه می‌کنیم و از انتشار به صورت پروپاگاندا^{۳۵} جداً پرهیز می‌نماییم. برای تَعَرُّف و انتخاب شخص اهل؛ باید از ملاک ایثار در مال و وقت استفاده نمود.

شخص اهل نیز موارد زیر را در انتشار خبر در نظر می‌گیرد:

اول؛ رعایت امانت در انتشار خبر و حفظ اصل کلام و عدم اضافه کردن تحلیل یا قضاوت شخصی به اصل خبر.

دوم؛ انتشار خبر توسط اهل به دیگر افراد صاحب اهلیت.

ادامه از صفحه قبل؛

تذکر: در صحت تحمل راوی، اموری چون اسلام و ایمان و بلوغ و عدالت و نیز نقل کوچک‌تر از بزرگ‌تر، شرط نیست. راه‌های تحمل حدیث:

تحمل حدیث شیوه‌هایی دارد که از نظر بیشتر علمای حدیث هشت قسم است:

سماع، شنیدن حدیث از استاد است، چه استاد حدیث را از حفظ بخواند چه آن را از روی کتاب برای شاگرد بخواند. قرائت، که اغلب به آن «عَرَضُ» گفته‌اند، خواندن حدیث نزد شیخ است، چه شاگرد آن را بخواند چه دیگری بخواند و شاگرد بشنود و حدیث را فراگیرد. اجازه، به این صورت است که استاد اجازه نقل از کتاب یا نقل روایت برای شاگرد صادر کند. مناوله به معنای این است که استاد کتاب را به شاگرد بدهد، به صورت تملیک یا عاریه. اگر شاگرد بدون اجازه کتاب استاد را بردارد بدان «عَرَضُ الْمُنَاوَلَه» گویند. کتابت یا مکاتبه، یعنی شیخ حدیث به درخواست طالب روایت، احادیثی به خط خود بنویسد و ارسال کند. اعلام (آگاه کردن)، یعنی استاد اعلام کند که فلان کتاب متعلق به اوست یا فلان روایت، سماع او از فلان استاد است، و شاگرد مجاز به نقل از آن شود. وصیت، یعنی شیخ حدیث از طریق وصیت، روایات خود را در اختیار کسی قرار دهد و او مجاز به نقل از آنها گردد. وجاده (مصدر جعلی به معنای یافتن)، یعنی آنکه راوی، حدیث یا کتابی به خط یکی از مشایخ پیدا کند و پس از اطمینان از انتساب آن به صاحبش، به نقل آن بپردازد.

از نظر عموم محدثان، «سماع» معتبرترین طریق تحمل است و در نقطه مقابل آن وجاده قرار دارد. از این جهت در اعتبار نقل وجاده‌ای، به خصوص جهت عمل، اختلاف نظر وجود دارد؛ اکثر فقها و محدثان مالکی اعتباری برای وجاده قایل نیستند، در صورتی که شافعی و اصحاب او قایل به جواز عمل بر پایه نقل وجاده‌ای‌اند.

در دوره متقدمان، بیان طریق تحمل مرسوم بود، چنانکه دانشمندان نیز به پذیرش حدیث تنها از برخی طرق که حدیث را معتبرتر می‌کرد، رغبت نشان می‌دادند. چون ذکر طریق تحمل، سند را طولانی می‌کرد، پس از مدتی محدثان امثال بخاری و کلینی سند را به صورت مُعَنَّ تَلْخِص کردند و به این ترتیب، اطلاع درباره طریق تحمل حذف یا تلخیص گردید. البته حذف عمدی عباراتی که معرف طریق تحمل است و قراردادن لفظ «عن» به جای آن، نوعی تدلیس است؛ لذا کسانی مجاز بودند از لفظ «عن» به جای عبارات معرف طریق تحمل استفاده کنند که به تدلیس شهرت نداشتند.

[ویکی‌شیعه؛ دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت(ع)، وابسته به مجمع جهانی اهل بیت (ع)، با ۷,۰۵۹ مقاله به زبان فارسی.]

^{۳۵}. تشریح پروپاگاندا در بیان امام خامنه‌ای:

در حکومت‌های مادی - عمدتاً در غرب - هم تبلیغ هست؛ [به اصطلاح] پروپاگاندا؛ که این با آن، به‌طور مبنایی و اصولی متفاوت است. پروپاگاندا برای کنترل کردن افکار عمومی مردم است، در جهت دست یافتن به قدرت، به منفعت، به پول است. غربی‌ها انصافاً در این قضیه، ورودشان هم خوب است، خیلی بلدند. تبلیغات به معنای غربی - پروپاگاندا غربی - را خیلی خوب بلدند؛ پول درمی‌آورند، به قدرت میرسند. با چه [کاری]؟ با کنترل افکار عمومی مردم.

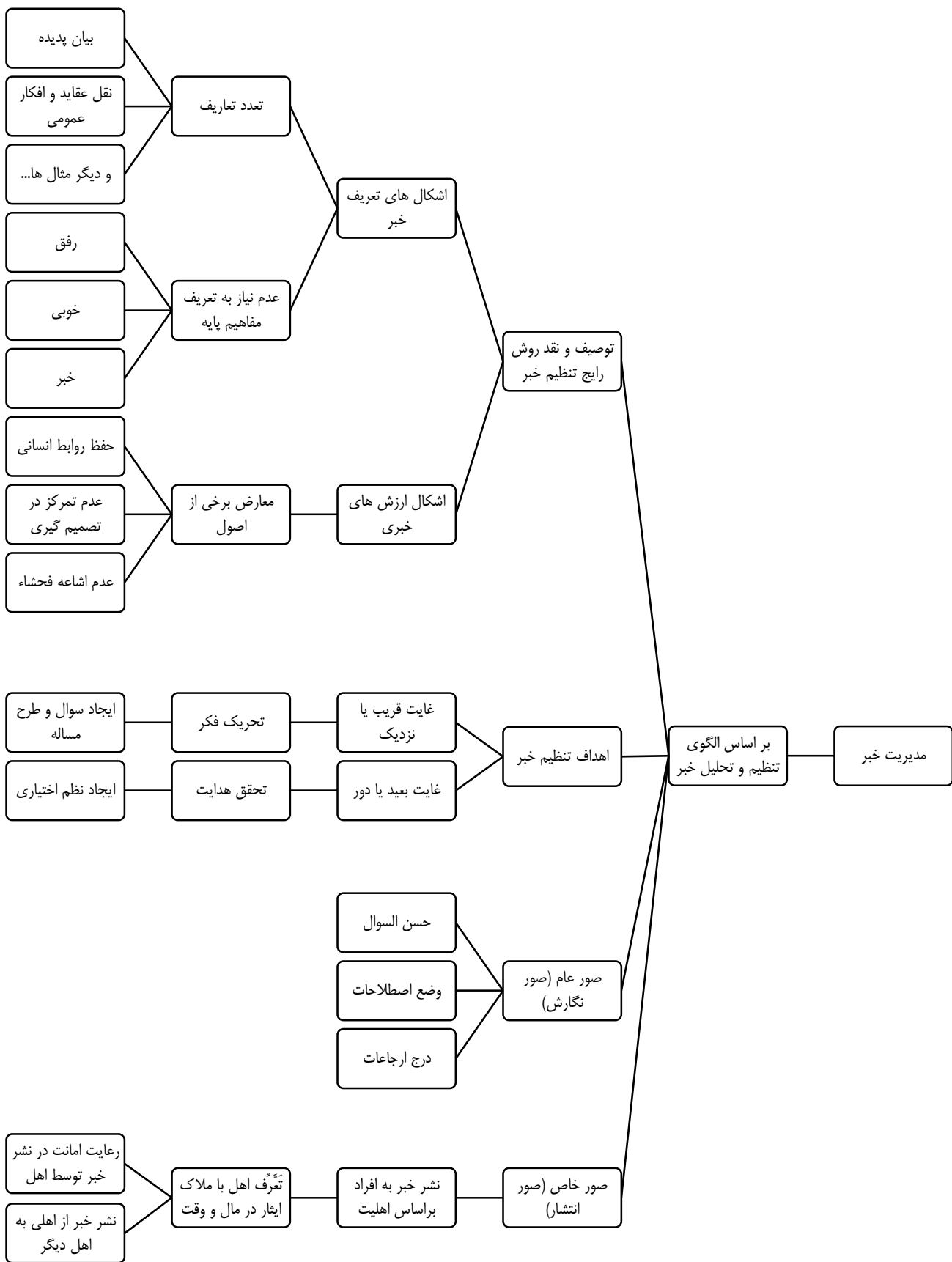
[اما] تبلیغ اسلامی مسئله‌اش این نیست؛ تبلیغ اسلامی عبارت است از تفاهم با مردم؛ بحث کنترل نیست، بحث تفاهم است؛ ذهنها را به سمت یک هدف عالی و والایی متوجه کردن و ذهنها را به هم نزدیک کردن. اثر این تفاهم چیست؟ اثر تفاهم این است که مردم در جهت کارهای اساسی و خیر، خودشان مسئولانه وارد میشوند؛ این [طور] است.

در تبلیغ اسلامی، بحث قدرتیابی نیست، بحث دست یافتن به پول نیست [بلکه] بحث آوردن مردم در مقام مسئولیت است؛ خودشان احساس مسئولیت میکنند، خودشان وارد میشوند و قهرماً نتیجه‌ای که بر این حرکت مردمی عظیم مترتب شد، منافعی هم متوجه خود مردم خواهد شد. این معنای تبلیغ است؛ بنابراین بکلی متفاوت است با آن کاری که غربی‌ها میکنند.

در آن پروپاگاندا غربی، فریب افکار عمومی اشکالی ندارد، بازیگری اشکالی ندارد، رفتارهای هنرپیشه‌وار اشکالی ندارد، دروغ گفتن اشکالی ندارد. هرچه انسان را به آن نتیجه‌ی مادی برساند، در پروپاگاندا غربی جایز است؛ [اما] در تبلیغ اسلامی ابدأ.

در تبلیغ اسلامی صداقت، امانت‌داری، احساس مسئولیت و مانند اینها لازم است. خوب، این [درباره‌ی] اصل مسئله‌ی تبلیغ.

[بیانات ایشان در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۰۶]



مدیریت کتابت؛

تقریر، نوشتن و تدوین تضارب و گفتگوها باعث ثبت در ذهن و ضمیر آدمی می شود و شرایط تحقق عملی مباحث مطرح در گفتگوها را فراهم می سازد. در واقع کتابت مباحث توسط مخاطب مصمم سبب می شود فهم مشترکی با ارائه کننده بحث پیدا کند.^{۳۶}

الگوی تدوین کتابت ذیل نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی تحت قالب شش سر فصل زیر بیان می شود:

اول؛ نمودار پژوهشی

دوم؛ جزوه تولد نظریه

سوم؛ پیاده فوری

چهارم؛ پیشخوان

پنجم؛ دوره مباحثاتی

ششم؛ گزارش راهبردی

۱. نمودار پژوهشی

این نمودار ساختار بحث را مشخص می کند و نکته اساسی برای رسیدن به این ساختار؛ تسلط بر نظام سوالات و استخراج آن سوالات و پاسخ های پیرامون آن از متن پیاده فوری است.

۲. جزوه تولد نظریه

این جزوه با در نظر گرفتن سه مورد اساسی زیر توسط مخاطب مصمم تدوین می شود:

اول؛ مخاطب با درک درست از نظام سوالات و ساختار کلی بحث با محوریت نمودار پژوهشی؛ تدوین جزوه را با پایه سوال آغاز و با شرح مساله، متن خود را به سمت رکن سوال هدایت می کند.

دوم؛ حفظ اصطلاحات توقیفی (مانند: صوم و صلاه) و اصطلاحات وضعی توسط فقیه (مانند: سود ارتباطی و الگوی ساخت) که در تضارب و گفتگوها آمده است.

سوم؛ متن تضارب و گفتگوها با درج ارجاعات؛ تکمیل و عمق بخشی شده، منزلت متن ارتقاء پیدا کرده و سبب مطرح شدن یا الگو پردازی شخصی یا مطلبی در حاشیه ی متن اصلی می شود.

^{۳۶} عَنْ أَبِي بصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اُكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا. بنویسید؛ تا ننویسید، نمی توانید حفظ کنید. [الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۵۲] اُكْتُبْ وَ بَدْ عَلِمَكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثْ كُتُبَكَ بَنِيكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ لَا يَأْتُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ. بنویس و علمت را در میان دوستانت منتشر ساز و چون مرگت رسید آن ها را به پسرانت میراث ده زیرا برای مردم زمان فتنه و آشوب می رسد که آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند.

[الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۵۲]

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْعِلْمُ قَالَ الْأَنْصَاتُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْأَسْتِمَاعُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْحِفْظُ قَالَ ثُمَّ مَهْ قَالَ الْعَمَلُ بِهِ قَالَ ثُمَّ مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَشْرُهُ. مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که: یا رسول الله، چیست که باعث حصول علم می شود؟ فرمود: خاموشی. عرض کرد که: بعد از آن چیست؟ فرمود که: گوش دادن و شنیدن. عرض کرد که: بعد از آن چیست؟ فرمود که: حفظ و ضبط کردن. عرض کرد که: بعد از آن چیست؟ فرمود که: عمل کردن به آن. عرض کرد که: بعد از آن چیست یا رسول الله؟ فرمود که: آشکار کردن و پراکنده نمودن آن میان مردمان.

[الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۴۸]

جزوه تولد نظریه با رعایت سه مورد فوق توسط شخص مخاطب و با بیان خود او نوشته شده و بهترین جایگزین برای ابلاغیه ها، بخشنامه ها و آیین نامه های نظیر در نظام های عینی و ساختاری است.

از محاسن تدوین این جزوه موارد زیر است:

اول؛ فهم مشترک از عملیات و ارتقای دقت لازم برای اقدام توسط مخاطب ایجاد می شود.

دوم؛ در تقریر و نگارش، اختصار و منزلت مخاطب مشخص می شود. یعنی جایگاه مخاطب برای پذیرفتن مسئولیت توسط بالادست احراز می گردد.

سوم؛ مخاطب فقط به دلیل مجاب شدن از استدلال بالادست، سخن او را عملیاتی می کند، نه به دلیل مقام و منسب او. یعنی پایان قدرت یافتن بالادست به سبب مقام، منزلت، امکانات مادی و ثروت و جایگزینی قدرت استدلال و علم در بالادست.

۳. پیاده فوری

پیاده کردن فوری مباحث مطرح در تضارب و گفتگوها توسط مخاطب مصمم، ضمن تثبیت مطلب در ضمیر ایشان، باعث جلوگیری از شایعات می شود.

۴. پیشخوان

پیشخوان؛ متن پیاده شده ی گفتگوهایی است که شرح اجمالی نمودار پژوهشی را در بر گرفته و پایه آن متن پیاده فوری است.

۵. دوره مباحثاتی

دوره مباحثاتی؛ متن پیاده شده ی گفتگوهایی است که شرح تفصیلی نمودار پژوهشی را در بر می گیرد.

۶. گزارش راهبردی

تکامل یافته ترین متنی که مخاطب مصمم می تواند آن را منتشر کند گزارش راهبردی^{۳۷} است. در واقع به سبب نگارش و نشر گزارش راهبردی، مخاطب ما آمادگی خود را برای اقدام عملیاتی در جهت نمونه سازی نشان می دهد.

این متن شامل پنج بخش اساسی زیر است و برای تصمیم سازی در مسئولین اجرایی مورد نگارش قرار می گیرد:

الف. تبیین ملاک های تدبیر، ارزیابی و نظام مقایسه

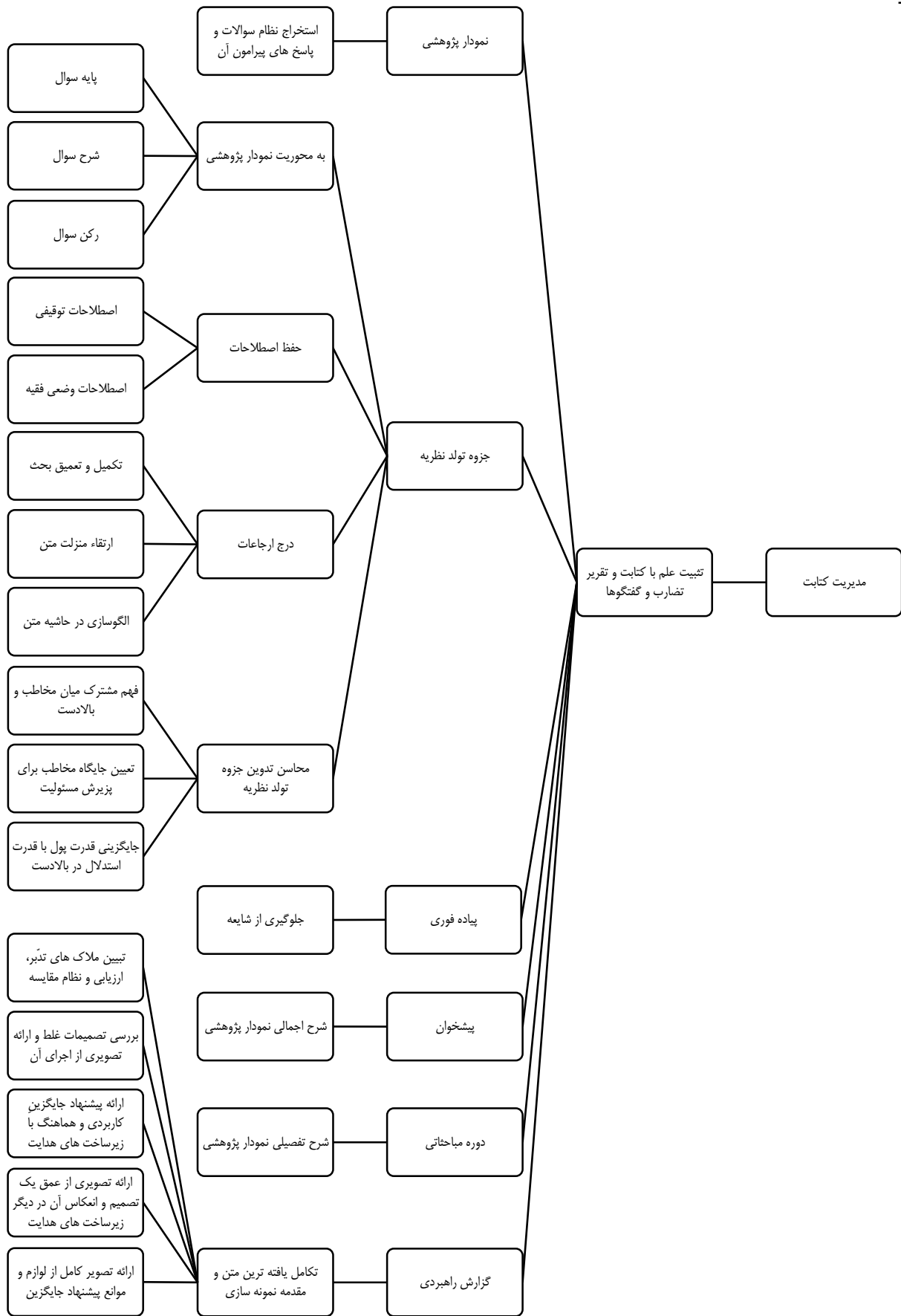
ب. بررسی تصمیمات در حال شکل گیری نزد مدیر اجرایی و ارائه تصویری از اجرای آن تصمیمات غلط در تعارض با زیرساخت های هدایت

ج. ارائه پیشنهاد جایگزین کاربردی و هماهنگ با زیرساخت های هدایت

د. ارائه تصویری از عمق اجرای یک تصمیم و تاثیر و انعکاس آن در دیگر زیرساخت های هدایت

هـ. ارائه تصویری کامل از اجرای پیشنهاد جایگزین اعم از لوازم و موانع اجرای آن

^{۳۷}. برای آشنایی بیشتر با نحوه نگارش گزارش راهبردی به کانال دوره های مباحثاتی الگوی پیشرفت اسلامی: https://eitaa.com/d_olgou مراجعه کنید.



پیوست ها

پیوست شماره یک؛

عملیات ؛ جمع عملیه، امور متعلق به عمل. (فرهنگ فارسی معین) (از ناظم الاطباء). توضیح اینکه این کلمه هر چند در اصل جمع عملیه است ، اما در فارسی غالباً آن را بعنوان جمع عمل به کار برند چون ادبیات و غزلیات و غیره . رجوع به رساله مفرد و جمع محمد معین چ ۲ ص ۱۱۶ شود.

[لغت نامه دهخدا]

پیوست شماره دو؛

عمل: کار. اعم از آنکه خوب باشد یا بد. خوب و بد بودن آن بوسیله قرینه معلوم میشود مثل قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ (قصص: ۱۵). و مثل إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر: ۱۰).

راغب گوید: عمل هر فعلی است که از حیوان روی قصد واقع شود، آن از فعل اخص است زیرا فعل گاهی بفعل حیوانات که لا عن قصد سر زند اطلاق میشود و بعضاً بفعل جمادات نیز گفته میشود ولی عمل خیلی کم بلا قصد و فعل جماد گفته میشود.

در اقرب الموارد گفته: عمل در کاری گفته میشود که از روی عقل و فکر باشد لذا با علم مقرون میشود ولی فعل اعم است.

پس فرق بین عمل و فعل اعم و اخص است. این فرق را از قرآن مجید نیز میشود استفاده کرد که عمل باعمال و کارهای ارادی اطلاق شده ولی فعل گاهی در افعال جماد نیز بکار رفته است مثل بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا (انبیاء: ۶۳).

[قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۴۴ و ۴۵]

پیوست شماره سه؛

اخْتَارَ - اِخْتَارًا [خیر] ه: آن را برگزید، آن را ذخیره کرد، - ه اللهُ الی چواره: به رحمت خدا رفت، مُرد.

الاِخْتِيَارِي - [خیر]: آنچه که انجام آن ممکن یا غیر ممکن باشد؛ «عَمَلُ اخْتِيَارِي»:

عمل یا شغل آزاد که در اختیار شخص باشد؛ «اخْتِيَارِيًا»: با رضایت نفس و بدون الزام یا اجبار.

الأخْبِر - م خَيْرِي و خُورِي، ج أَخْبِير [خیر]: اسم تفضیل است.

اسْتَخَارَ - اسْتِخَارَةً [خیر]: از او طلب خیر کرد، - اللهُ: از خداوند خواست آنچه را که در صلاح او می باشد برگزیند.

تَخَيَّرَ - تَخْيِيرًا [خیر] ه: آن را برگزید، - الشئ: آن چیز را ذخیره کرد.

خَارَ - خَيْرًا [خیر]: با خیر شد، - اللهُ لك في الأمر: خداوند در آن کار به تو خیر دهد، - خَيْرَةً و خَيْرَةً و خَيْرًا ه: آن را برگزید، - الشئ: علی غیره: آن چیز را بر دیگر چیزها برتری داد.

خَايَرَ - مُخَايَرَةً [خیر] ه في العلم فخاره: در دانش با او مسابقه داد و بر او چیره شد، - ه في الأمر و بين الأمرين: به وی اختیار انتخاب آن کار را داد تا هر کدام را بخواهد برگزیند.

الخِيَار - [خیر]: اسم است از (الاخْتِيَار): «خِيَارُ الشئ»: بهترین هر چیزی، - (ن): خیار که از تیره ی قرعیات است؛ «خِيَارُ شَتْبَر» (ن): خیار چنبر که در پزشکی از آن برای رفع پیوست مزاج استفاده می شود.

الخِيَارَةُ - (ن): یک دانه خیار.

خَيْرٌ - تَخْيِيرًا [خیر] الشئ: علی غیره: آن چیز را بر سایر چیزها برتری داد، - ه في الأمر او بين الأمرين: او را در آن کار یا میان دو کار مخیر کرد. تا هر کدام را که بخواهد برگزیند.

[فرهنگ ابجدی، متن، ص: ۳۵۴ و ۳۵۵]

پیوست شماره چهار؛

متن نامه حجت الاسلام کشوری به دکتر حسن روحانی / چهارشنبه، ۳ خرداد ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام حسن روحانی؛ ریاست شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم؛ در شرایط حساس کنونی تصمیم گرفتم سه دسته از خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی در اداره کشور جمهوری اسلامی را به صورت علنی برای جنابعالی بازخوانی کنم؛ البته این تحلیل های علمی عمیق سالها در حوزه علمیه قم بحث شده است و اگر شما توفیق بررسی این پژوهشها را می داشتید؛ نیازی به بازخوانی علنی و اجمالی آنها در قالب یک نامه و همچنین احساس نیازی به ترجمه روزمره پژوهشهای معیوب بین المللی برای اداره کشور در حوزه های مختلف نبود. قبلا از اینکه برخی عبارات این نامه حاوی اصطلاحات فنی الگوی پیشرفت اسلامی است از محضرتان عذرخواهی می کنم...

دسته اول خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی؛ خسارت های تربیتی و فکری است؛ این دسته از خسارت ها اگر نادیده گرفته شوند به فرآیند شکل گیری شخصیت انسان ضربه سنگینی وارد می کنند و چالشهای تربیتی و فکری عامل اصلی چالش در رفاه و تکامل انسانها محسوب می شود. توضیح بیشتر اینکه؛ تئوری های توسعه به دو طریق رفاه و تکامل انسانها را به چالش می کشند:

اول آنکه به تدریج نقش تربیتی و تمدنی بانوان و آقایان را به نقش اقتصادی محض تنزل می دهند و این به معنای تزلزل در جایگاه بی بدیل خانواده است. کاهش "عمق محیط دریافت رفق افراد" [۱] نتیجه اصلی تزلزل خانواده و زمینه اصلی ایجاد اختلال های عاطفی، فکری و رفتاری در انسان مدرن است.

دوم آنکه توسعه غربی سطح فکر افراد را به تفکرات پوزیتیویستی محدود کرده و از پردازش اجتماعی سایر ابعاد فکر جلوگیری می کند. از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی؛ برای بهبود روابط انسانی ضرورت دارد تا "وعاء فکر" در پنج سطح: ۱-تامل ۲-تعقل ۳-تدبر ۴-تجرب و ۵-تفقه پردازش اجتماعی شود؛ که هر کدام از این سطوح فکری نتیجه ای مشخص در بهبود روابط انسانی [۲] دارد. خلاصه سخن آنکه معادله اصلی پیشرفت اسلامی رفق × فکر است و محاسبات معیوب توسعه این معادله را به دلیل عدم درک به صورت مکرر و دائمی نقض می کند.

جناب آقای روحانی؛ رفاه و تکامل جامعه را بدون رعایت "معادله رفق × فکر" تصور کرده اید؟! ویا اینکه اثر اشتغال فراگیر بانوان و سایر سیاست های توسعه غربی را در تضعیف این معادله و نهادهای پردازش کننده آن -مانند نهاد خانواده- صفر فرض نموده اید؟! در هر صورت رفاه و تکامل مردم با اعمال این سیاست ها به چالش کشیده می شود. آمار طلاق بیش از چهل درصدی در شهر تهران و همچنین آمار طلاق بالا (در حد فروپاشی خانواده) در کشورهای توسعه یافته، در کنار گسترش بیماری افسردگی و سایر بیماری های روحی از عوارض ملموس عدم توجه به معادله اصلی پیشرفت اسلامی است؛ که البته با گسترش رشته های روانشناسی! نمی توانید آن را علاج کنید.

دسته دوم خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی؛ خسارت های امنیتی است. در سالهای اخیر به بهانه حل مشکلات اقتصادی و رفع تحریم ها؛ متأسفانه نظریه غیر واقع بینانه سیاست خارجی توسعه گرا را در روابط بین المللی جمهوری اسلامی مبنای عمل قرار دادید؛ که نتیجه آن برداشته نشدن تحریم های هسته ای مانند تحریم چرخه دلار یا u-turn و [۳] افزایش تحریم های غیر هسته ای و ارتقای طمع استکبار از مسایل هسته ای به متغیرهای دیگر امنیتی مانند جبهه مقاومت و مسائل موشکی شده است.

جناب آقای روحانی؛ مبتنی بر نظریه معیوب سیاست خارجی توسعه گرا [۴] شعار تعامل و مذاکره برد برد را مطرح کردید ولی این ایده در اندیشکده های غربی به عقب نشینی جمهوری اسلامی ترجمه شد. عمل به این نظریه معیوب به بتن ریزی در مولفه حیاتی "ما می توانیم" و زمینه سازی برای تهاجم استکبار به عمق استراتژیک و دنباله های فکری جمهوری اسلامی ختم گردید. تشکیل ائتلاف غربی، عبری و عربی علیه ملت ایران و دوستان منطقه ایش مانند انصار الله در یمن و تعرض به جان حجاج ایرانی و غیر ایرانی در سال ۱۳۹۴، شهادت مظلومانه آیت الله نمر و تضعیف شیعیان عربستان، حصر زکزاکی آزاده و شهادت شیعیان نیجریه و تشدید فشار به آیت الله شیخ عیسی قاسم و مردم بحرین، همگی از آثار سوء اجرای نظریه سیاست خارجی توسعه گرا بر مسئله امنیت است. بیم آن می رود که با اعمال سایر محاسبات غلط مبتنی بر توسعه - مانند ایده معیوب عصر، عصر گفتمان است و نه موشک - امنیت ملت ایران و سایر ملت های منطقه بیش از این با خطر روبرو شود. پیشنهاد می کنم به جای مطالعه دائمی نظریات توسعه غربی، برخی از آیات قرآن در حوزه روابط بین الملل مانند آیه ۱۲۰ سوره مبارکه بقره [وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ] هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یابوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. و نظریات مبتنی بر این آیات محکم در حوزه روابط بین الملل مانند "نظریه سیاست خارجی جهت گرا" [۵] را از سر تسلیم و دقت مطالعه کنید.

دسته سوم خسارت های جبران ناپذیر استفاده از محاسبات توسعه غربی؛ خسارت های معیشتی و اقتصادی است؛ اگر چه مشهورترین خسارت ناشی از توسعه، تثبیت فاصله طبقاتی و تشکیل طبقه اشرافی نجومی بگیرد در مقابل طبقه مستضعف گسترده (بخوانید تشکیل وال استریت) است، ولی برخی دیگر از خسارت های توسعه عبارت است از گسترش اخلاق مصرفی و عبور از استاندارد مترقی زهد در زندگی و بالتبع گسترش بیماری های قلبی، عروقی و بیماری های روحی، روانی [۶] و همچنین ارتقای سطح حرص و آز در جامعه از طریق تحریک دائمی منافع افراد.

جناب آقای روحانی؛ به کارگیری سیاست های توسعه در اداره کشور ضمن تحمیل خسارت ها و محرومیت های تربیتی، امنیتی، زیستی، عاطفی و معیشتی به انسان ها؛ به تعادل جامعه حول بخش اقتصاد می انجامد و منزلت همه بخش های سیاسی، فرهنگی، تقنینی، آموزشی، هنری و... را تا سطح خدمه بخش اقتصاد تنزل می دهد؛ که این به معنای ضدیت با هویت شیعی جامعه سرفراز ایران و حل نشدن مشکلات مردم خوب کشور است. پیشنهاد می کنم به تدریج زمینه حسن الاستماع نظریات و محاسبات کلان و بخشی الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه های مختلف را برای خود فراهم آورید.

توضیح بیشتر آنکه در نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی چگونگی پردازش اجتماعی زیرساخت های هدایت (موضوعات جهت ساز) شامل ۱- زیرساخت امامت ۲- زیرساخت علم ۳- زیرساخت نفی سبیل ۴- زیرساخت معیشت ۵- زیرساخت نظم اجتماعی (قانون) ۶- زیرساخت بیان ۷- زیرساخت شاخصه های ارزیابی پیشرفت اسلامی ۸- زیرساخت پیشگیری از جرم (عبرت) ۹- زیرساخت تربیت (شکل گیری شخصیت) تبیین شده است و همه این تبیین های وحی بنیان در مرحله نظام مقایسه با نظریات معیوب توسعه غربی مقایسه شده اند. در پایان امیدوارم برای حل مشکلات کشور به جای دل بستن به نظریات ناکارآمد توسعه غربی توفیق به کار بستن نظریات و محاسبات عقلانی الگوی پیشرفت اسلامی را پیدا کنید.

والسلام علی عباد الله الصالحین

علی کشوری - دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / قم مقدس - ۲۷ شعبان ۱۴۳۸ مصادف با ۳ خرداد ۱۳۹۶

پی نوشت ها:

[۱]. شاخص "عمق محیط رفق دریافت رفق" برای فرد در کنار شاخص "تعیین سطح تفکر فرد در هرم پنج سطحی فکر" و شاخص استقلال جبهه های سه گانه از یکدیگر؛ شاخص اصلی ارزیابی پیشرفت اسلامی در بلند مدت است.

[۲]. بهبود روابط انسانی در سطوح و محیط های مختلف موضوع اصلی محاسبات و معادلات الگوی پیشرفت اسلامی است.

[۳]. این تحریم در سال ۲۰۰۸ پس از صدور قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل علیه برنامه هسته ای ایران شکل گرفت و در هیچ کدام از بندهای مربوط به تحریم های آمریکا و تهددات آن کشور در برداشتن تحریم ها، اشاره به تحریم U-Turn دلار نشده است. در نتیجه این تحریم هسته ای پابرجا خواهد بود.

[۴]. سیاست خارجی توسعه گرا همان گونه که از نام آن برمی آید، رسالت اصلی خود را به زمینه سازی برای تحقق فرایند توسعه پایدار تعریف می کند. به بیان دیگر، چنین سیاستی، در واقع، یکی از ابزارهای اصلی دولت توسعه گرا جهت عینیت بخشی به اهداف خود است.

به طور کلی، در سیاست خارجی توسعه گرا اصل بر همکاری و هماهنگی در عرصه روابط بین الملل است. البته اصالت یافتن همکاری در این سیاست همان طور که از تنش و تقابل با نظام بین الملل پرهیز می کند، به معنای وادادگی و پذیرش وضع موجود در عرصه بین المللی نیست، بلکه با استفاده از قواعد بین المللی و با ایجاد اجماع و هدفمند، با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی دارد.

بدیهی است که مفهوم سیاست خارجی توسعه گرا برای عینیت یافتن در وهله اول نیازمند تبیین نظری، استراتژیک و دیپلماتیک دقیق است تا از قابلیت انسجام بخشی به رفتارها و گفتارهای سیاست خارجی کشور برخوردار شود. بخشی از متن کتاب "الزامات سیاست خارجی توسعه گرا" - مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام (تاریخ نشر ۴ دی ۱۳۸۷)

[۵]. نظریه مندرج در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی درباره روابط بین الملل که چگونگی تغییر بافت موضوعات سیاست خارجی به محوریت موضوعات جهت ساز را تئوریزه می کند. با اعمال این نظریه، ماهیت روابط بین الملل به ماهیت دعوت تکامل می یابد.

[۶]. ۳۰۰ میلیون نفر از مردم جهان دچار افسردگی هستند

//en۳۹۶www.who.int/mediacentre/factsheets/fs

بیش از ۶۰ درصد مردم آمریکا به مدت دو سال یا بیشتر از داروهای ضد افسردگی استفاده میکنند
pdf۶https://www.cdc.gov/nchs/data/databriefs/db

[پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

پیوست شماره پنج؛

پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم چگونه تدوین شد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

در روزهای آینده لایحه برنامه ششم از سوی دولت یازدهم به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود و عملاً مرحله نهایی تدوین این دوره از برنامه ریزی در کشور آغاز خواهد شد. غیر از نقدهای رایجی که معمولاً در فصل برنامه ریزی از سوی کارشناسان به لویج پیشنهادی دولت ها می شود؛ در این دوره فرصتی فراهم آمده است تا نخبگان کشور بیشتر از سالهای گذشته با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی در اداره کشور آشنا شوند.

به عبارت دیگر به علت تلاقی سال نهم گفتمان سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی با فصل برنامه ششم فرصتی فراهم آمده است تا کارشناسان کشور با نگاهی موشکافانه تر به بررسی تفاوت های الگوی پیشرفت اسلامی و توسعه غربی بپردازند. لذا در این یادداشت سعی می شود تا سیر مفهومی برنامه ریزی بر اساس الگوی پیشرفت اسلامی تشریح شود.

از منظر مفاهیم مطرح در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای فهم برنامه ریزی با نگاه اسلامی نیازمند تصویر سازی از پنج موضوع هستیم. این پنج سطح بحث می تواند نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به برنامه ریزی کشور را دقیق تر از گذشته تبیین نماید و در واقع ارائه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور یکی از ثمرات توجه به این بحث ها بوده است.

سطح اول مباحث به بررسی تصویر کلی مفهوم برنامه ریزی از منظر الگوی پیشرفت اسلامی اختصاص دارد. یکی از مقدمات لازم برای ورود به حوزه برنامه ریزی، داشتن یک تصویر روشن از مفهوم اداره جامعه بر اساس اسلام است. بدون ارائه این تصویر کلان، معضل یکسان انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی در مقام برنامه ریزی ادامه خواهد یافت. از منظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بدون توجه به امر هدایت نمی توان تصویری درست از چگونگی اداره جامعه بر اساس اسلام داشت. از منظر اسلام اداره جامعه هدایت بنیان است و باید در مقام برنامه ریزی تاثیر همه حوزه ها بر امر هدایت و تاثير هدایت بر همه حوزه ها توسط کارشناسان بررسی شود. اگر جایگاه و فرآیندهدایت را در تحلیل های خود بررسی نکنیم؛ به دلیل اینکه در همه بخشها انسان ها تصمیم می گیرند؛ مجبور می شویم از ابزارها و مکانیزم های جبری برای هماهنگی و اداره بخشهای مختلف جامعه استفاده نماییم.

به عبارت بهتر با توجه به ضرورت و جایگاه هماهنگی بخشی و کلان در هر جامعه ای دو نوع روش برای هماهنگی و ایجاد نظم تصویر می شود: نوع اول هماهنگی؛ هماهنگی جبری و بدون توجه به اختیار افراد است و نوع دوم هماهنگی، هماهنگی هدایت بنیان و ایجاد نظم اختیاری در بخش های مختلف و در کلان جامعه است. در نظریه پردازش موضوعات جهت ساز (نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی) به صورت تفصیلی جایگاه هدایت در اداره جامعه تبیین شده است ولی در این مقاله به این نکته بسنده می کنم که عدم توجه به جایگاه هدایت در اداره جامعه به شدت خلاقیت و سطح خنثیگی را در بخش های مختلف کاهش می دهد. در نظم جبری اختیار افراد به بهانه ایجاد نظم و هماهنگی به چالش کشیده می شود و به چالش کشیده شدن اختیار نتیجه اش کاهش خلاقیت در فرد است. یکی از نتایج کاهش خلاقیت، چالش در استقلال کشور است. ولی اگر هدایت بنیان جامعه را اداره کنیم میتوانیم هماهنگی و نظم را به نحو اختیاری محقق نماییم. به هر میزان امر هدایت را فریه تر نماییم مکانیزم های اداره جامعه بر مبنای اختیار افراد شکل می گیرد و نتیجه این موضوع همراهی جدی تر جامعه با تصمیمات حکومت خواهد بود. سطح دوم مباحث ارائه تصویر از فرآیند فریه تر کردن امر هدایت در جامعه است. از منظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی فریه تر کردن امر هدایت به برنامه ریزی برای زیرساخت های هدایت وابسته است. زیر ساخت های هدایت برای هدایت ظرفیت سازی می کنند و تاثیرشان بر هدایت یک تاثیر بنیادی و غیرقابل انکار است.

دوران شکل گیری شخصیت، تبیین فقیهانه و عمیق معارف دینی، توجه به حکم حکیمانه نفی سبیل در روابط بین الملل، ترجمه زدایی از علم، سنجش دائمی نسبت میان قانونهای اداره جامعه و امر هدایت و توجه به جایگاه امامت در زندگی فردی و اجتماعی فرد و مسئله اقتصاد نمونه هائی از مهمترین زیرساخت های هدایت - یا موضوعات جهت ساز- محسوب می شوند؛ که برنامه ریزی برای فهم و تحقق هر کدام به فریه تر شدن امر هدایت منجر می شود. سطح سوم مباحث به ارائه تصویری روشن از چگونگی تدبیر در زیرساخت های هدایت اختصاص دارد. ارائه گزارش از آسیب های فعلی و آینده عدم توجه به زیرساخت های هدایت مقدمه مهمی در برنامه ریزی برای تحقق زیر ساخت های هدایت محسوب می شود. در این بخش نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور درکی روشن از آسیب های فرعی دانستن موضوعات جهت ساز پیدا می کند و این امر زمینه پرداختن حداکثری به موضوعات جهت ساز را فراهم می آورد؛ البته فرآیند کامل پردازش موضوعات جهت ساز در الگوی نظام سازی اسلامی (الگوی ساخت) تشریح شده و در این الگوی سه لایه- که روش برنامه ریزی اسلامی محسوب می شود- چگونگی پژوهش درباره زیرساخت های هدایت در الگوی حفظ جهت، چگونگی پرورش خروجی به دست آمده از مرحله پژوهش با نخبگان، در الگوی استخراج سوال و چگونگی تحقق زیرساخت های هدایت در عینیت در الگوی پردازش اجتماعی تشریح شده است.

سطح چهارم مباحث داشتن تصویری روشن از محصولات مفهومی به دست آمده از تحلیل زیرساخت های هدایت با اتکاء به مفاهیم الگوی نظام سازی اسلامی است. به عبارت روشن تر در بخش چهارم مباحث، نظریات بخشی مرتبط با زیرساخت های هدایت باید مورد بررسی قرار بگیرد. در هر نظریه در واقع گزارشی از بحث های پژوهشی، بحث های پرورشی و بحث های پردازشی مرتبط با یک زیرساخت هدایت وجود دارد؛ که مرور این مفاهیم سه لایه تصویری روشن از چگونگی برنامه ریزی برای یک زیر ساخت هدایت را ایجاد می کند.

به عنوان مثال بررسی "نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت" چگونگی تحقق زیرساخت تربیت-به عنوان یکی از زیر ساخت های هدایت- را بررسی می کند و در بخش پژوهش این نظریه محور مباحث به ارائه تصویر حجت یافته از چگونگی تربیت اختصاص دارد. بر اساس مباحث این بخش: در دوران تربیت باید شخصیت فرد از طریق نهاد خانواده به پذیرش حق امام ترجمه شود. در بخش پرورش این نظریه، چگونگی تقویت نهاد خانواده-به عنوان عامل ترجمه- از منظر نظریات مختلف بررسی و در نهایت در بخش پردازش اجزای فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت شناسائی و چگونگی بهینه آن تشریح شده است. این روال در نظریات دیگر نقشه راه مانند "نظریه پیش گیری بنیادین اسلامی از جرم"، "نظریه بنگاه های وقف محور"، "نظریه بانک سوالات جهت ساز" و... وجود دارد.

سطح پنجم مباحث تصویری از چگونگی ترجمه مباحث فوق- در دوران انتقال- به ادبیات رایج برنامه ریزی را ارائه می کند. چون گفتمان الگوی پیشرفت در مقایسه با ادبیات توسعه از رواج کمتری برخوردار است در برخی موارد باید یک سرفصل از ادبیات توسعه غربی را در گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی منحل نماییم. لذا در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی با طرح سوال در مورد جایگاه عدم توازن های فرهنگی؛ زمینه تعمیم معنای عدم توازن از عدم توازن های اقتصادی به عدم توازن های فرهنگی فراهم آمده است و در ادامه مبتنی بر ارائه تعریف از عدم توازن های فرهنگی- در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم - پیشنهادهایی برای رفع این عدم توازن ها مطرح شده است.

به عبارت فنی تر در این بخش در گام اول تفاهم؛ مفهوم عدم توازن اقتصادی به عنوان "پایه سوال" و مفهوم عدم توازن فرهنگی به عنوان "رکن سوال" انتخاب شده و سپس در گام دوم مفهوم عدم توازن فرهنگی به عنوان "پایه سوال" در "شرح سوال" دوم انتخاب گردیده است.

هفتم محرم الحرام ۱۴۳۷ / ۲۸ مهرماه ۱۳۹۴ / قم مقدس

[پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

پیوست شماره شش؛

تبیین اجمالی "نظریه مادر" الگوی پیشرفت اسلامی (نظریه پردازش موضوعات جهت ساز)

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشتر [۱] گفته شده است که "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی [۲] را "نظریه پردازش موضوعات جهت ساز" می داند. این نقشه راهبردی و کاربردی معتقد است که توجه به "جهت سازها" در اداره جامعه نتیجه اش "هدایت نظامات ذهنی" است. به دلیل شکل گیری خلقت انسانها بر اساس "قدرت اختیار و انتخاب" اسلام پایه الگوی اداره جامعه را "مفهوم هدایت نظامات ذهنی" می داند و در "نظریه پردازش موضوعات جهت ساز" آثار اجتماعی هدایت انسانها در کنار آثار روانشناختی و آخرتی هدایت مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. برای تبیین اجمالی "نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی" بیان مقدماتی لازم است:

مقدمه اول آنکه: محور مدیریت در بخش های مختلف جامعه انسان است. به عنوان مثال محور در بخش اقتصاد، کار آفرین، مصرف کننده، سرمایه گذار و مدیران و کارگران هستند. در بخش فرهنگ محور هنرمندان، دانشمندان، شاعران، نویسندگان و... هستند و یا در بخش آموزش محور خانواده ها، معلمان مدیران مدارس، دانش آموزان و... می باشند. به صورت کلی در هر یک از بخش های جامعه بازیگران اصلی انسان های فعال در آن بخش از جامعه می باشند.

مقدمه دوم آنکه: در همه این بخش ها انسانها متأثر از نظام نگرش های خود تصمیم می گیرند و بدیهی است که ایجاد تغییر در هر جامعه ای از مسیر ایجاد تغییر در نگرش های افراد آن جامعه آغاز می شود. به عنوان مثال پیدایش انقلاب با عظمت اسلامی و استقرار نظام حکومتی اسلامی از تغییر نگرش در ملت ایران نسبت به حکومت های دیکتاتوری و دموکراسی آغاز شده است و همچنین پذیرش تاکتیک نرمش قهرمانانه و مذاکره موردی با آمریکا با فلسفه تصحیح نگرش های خوش بینانه به استکبار و بالتبع ادامه تفکر مرگ بر آمریکا انتخاب شده است. البته در شکل گیری و غلبه یک نگرش خاص در جامعه افراد به نحو مساوی شریک نیستند و سهم نخبگان و مدیران بیش از سهم افراد عادی یک جامعه است.

مقدمه سوم آنکه: شکل گیری نگرش در انسانها امری دفعی نیست و تغییر نگرش به سرعت در میان انسانها به وجود نمی آید. معمولاً نگرش های بر اساس مقدمات و تجربیاتی -که به عنوان پشتیبان برای آن نگرش عمل می کنند- به وجود می آیند. به عبارت ساده تر برای ایجاد نگرش در بخش های مختلف نیازمند ظرفیت سازی برای ایجاد آن نگرش هستیم.

بدون توجه به ظرفیت های پایه نمی توانیم نگرش های جامعه را در مسیر صحیح ایجاد و تثبیت نماییم. به عنوان مثال دوران تربیت انسان در حکم ظرفیت و پشتیبان برای نگرش های انسان در دوران بلوغ هستند و معمولاً نگرش های انسان در سن اختیار و انتخاب متأثر از ویژگی های دوران تربیت است. همچنین نگرش انسان ها در جامعه بیش از همه چیز به رفتار دولتمردان و امراء وابسته است و اگر مدیران و رهبران مملکتی به اجنبی و دشمن وابسته باشند؛ مسیر نگرش های افراد یک جامعه با نگرش های استکباری هماهنگ تر خواهد شد. بنابراین دوران تربیت، تصحیح رفتار مدیران یک جامعه و عدم وابستگی به استکبار(نفی سبیل) از موضوعات ظرفیت ساز برای ایجاد نگرش صحیح محسوب می شوند.

مقدمه چهارم اینکه: در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از موضوعاتی که به نوعی در حکم زیر ساخت و ظرفیت سازی برای تغییر نگرش ها- در بخش های مختلف جامعه -محسوب می شوند؛ تحت عنوان موضوعات جهت ساز یاد شده است. علت این نامگذاری به جایگاه نگرش های انسان در انتخاب جهت و سبک زندگی و اثر این موضوعات در تغییر نگرش بازگشت دارد.

با توجه به مقدمات چهارگانه فوق، می توانیم روح الگوی پیشرفت اسلامی را هدایت نظامات ذهنی بدانیم. در الگوی پیشرفت اسلامی پایه همه مسائل -به دلیل محوریت انسانها در اداره جامعه- به مفهوم "هدایت نظامات ذهنی" بازگشت دارد و همانطور که گفته شد راه تغییر در نگرش ها هم ظرفیت سازی برای نگرش سازی است؛ که این موضوع هم به پردازش موضوعات جهت ساز وابسته است!

لازم به ذکر است که؛ برای پردازش هر موضوع جهت ساز -بعد از شناسائی و اثبات جهت ساز بودن- نیازمند یک نظریه بخشی هستیم؛ که در این نظریه بخشی مسیر تحقق هدایت نظامات ذهنی از مجرای آن موضوع جهت ساز تبیین می شود. در نشست های گفتگویی الگوی پیشرفت اسلامی این نظریه مادر و برخی از نظریات بخشی مطرح در "اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی" با تفصیل بیشتر و از مسیرهای استدلالی متفاوت (شرح سؤال) [۳] به تضارب نیروهای انقلاب گذاشته می شود.

بعون الله تعالی

پی نوشت ها:

[۱]. در نشست ها و مقالات "مرحله ثبت ذهنی" اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

[۲]. در نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی تصویری کلان و کاربردی و دارای حجیت از الگوی پیشرفت اسلامی (چگونگی اداره جامعه بر مبنای دین) ارائه می شود.

[۳]. "شرح سؤال" یا مسیر استدلالی ارتباط میان "پایه سؤال" و "رکن سؤال"؛ یکی از ارکان سه گانه الگوی استخراج سؤال است. الگوی استخراج سؤال روش تفاهم متناسب با مبنای هدایت نظام نگرش ها است. الگوی استخراج سؤال از الگوهای زیر مجموعه الگو نظام سازی اسلامی محسوب می شود. لازم به ذکر است که اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس الگوی نظام سازی اسلامی قابل تبیین، تفسیر و تفصیل می باشد.

[پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir]

منابع

۱. قرآن کریم
۲. الکافی / مؤلف: محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۸ق) / دار الکتب الإسلامیة تهران.
۳. من لا یحضره الفقیه / مؤلف: ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۳۸۱ ق؛ محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر/ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.
۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال / مؤلف: ابن بابویه، محمد بن علی؛ ۳۸۱ ق / دار الشریف الرضی للنشر قم / سال چاپ: ۱۴۰۶ ق.
۵. غرر الحکم و درر الکلم / مؤلف: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۵۵۰ ق؛ محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی / دار الکتب الإسلامی، قم / سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.
۶. منیة المرید فی آداب المفید و المستفید / مؤلف: زین الدین بن علی، معروف به شهید ثانی، ۹۱۱ - ۹۶۶ ق؛ تصحیح: شیخ علی المحلاتی، ۱۳۰۱ ق / مطبع الحسنی بمبئی.
۷. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة / مؤلف: ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، ۹۰۱ ق؛ محقق و مصحح: عراقی، مجتبی / دار سید الشهداء للنشر قم / سال چاپ: ۱۴۰۵ ق.
۸. قاموس قرآن / مؤلف: قرشی بنابی، سید علی اکبر؛ ۱۳۰۷ / دارالکتب الاسلامیه تهران.
۹. لغت نامه دهخدا / سرپرست تحریریه: دهخدا، علی اکبر؛ ۱۲۵۸-۱۳۳۴. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی / موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران / سال چاپ ۱۳۷۷ ش.
۱۰. فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الابدی / مؤلف: فوادفرام بستانی. مترجم: رضا مهیار / اسلامی / سال چاپ: ۱۳۷۶ ش.
۱۱. خبر / شکرخواه، یونس / دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها تهران / سال چاپ: ۱۳۹۲ ش.
۱۲. پایگاه اطلاع رسانی www.khamenei.ir / دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای
۱۳. پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه www.nro-di.blog.ir



الگوی طراحی و اجرای عملیات در جنگ نرم چیست؟
شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی